



امیر دریادار حبیب الله سیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ کننده ارتش در گفت و گویی درباره آخرین وضعیت تنگه هرمز اظهار داشت: غرب تنگه هرمز، خود تنگه و خلیج فارس تحت کنترل کامل نیروی دریایی سپاه بوده و شرق تنگه هرمز و شمال اقیانوس هند تحت کنترل کامل نیروی دریایی ارتش است.

دریادار سیاری ادامه داد: ما مقتدرانه در شمال دریای عمان و شرق تنگه هرمز اقدام می کنیم و اجازه نمی دهیم کسی عبور کند. در طرف دیگر نیز برادران سپاهی محکم ایستاده اند. لفاظی هایی هم که دشمن می کند، بحثش جداسست و واقعیت امر این است که تنگه هرمز تحت تسلط کامل ما است.

رئیس ستاد و معاون هماهنگ کننده آجا با تأکید بر آمادگی بالای ارتش جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با هرگونه تهدیدی، گفت: هر جنگی درس آموزتهایی دارد و مهم این است که کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران اعم از سلسله مراتب، ستادها و رزمندگان به این درس ها پی ببرند و آن ها را در جهت ارتقای توانمندی به کار بگیرند.

وی افزود: ما درس آموزتهای مان را پیدا، نقاط ضعف مان را مشخص و تقویت می کنیم و آماده مراحل بعد می شویم؛ لذا امروز می توانیم بگوییم به مراتب آماده تر از قبل هستیم؛ چون به مرور زمان نقاط ضعف مان را برطرف و نقاط قوت مان را تقویت کرده ایم و این توانمندی را داریم که در مقابل تهدیدها بایستیم.

تردد در تنگه ترامپ!

سفارت ایران در زیمباوه: تنگه
ترامپ باز است اما تنگه هرمز نه!

زمستان سختی در پیش است

بازگشت ۶۰ درصد ظرفیت پتروشیمی به چرخه تولید

تیر خلاص بانک مرکزی به شرخرها

حماس:

دفاع از قدس و مسجد الاقصی

تا آزادسازی آن ادامه دارد

روایت زخم های جنگ پس از جنگ

میراث دفاع مقدس فقط آرشیو و خاطره نیست

سردار احمد رادان:

ضرورت شناخت ابعاد جنگ

ترکیبی دشمن

آمدگی بیش از ۳۰ میلیون جان فدا آوردگاهی برای اعتلای نام ایران است



بِسْمِاللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ أَغَازِرِينَ
روزهای ماه مهر، یادآور ایام الله و پدیدهٔ عظیم و ماندگار دفاع هشت سالهٔ جنانة ملت ایران در جنگ تحمیلی اوّل است. در آن روزها تابش گرم خورشید انقلاب در پهنهٔ سرزمین ایران، حس مطبوعی از همبستگی ملی و وفاداری به مکتب و مرام اسلام انقلابی می‌پرکند که از اثر آن پنجهای سلطه‌گری و استعمار کهن و نوین در حال ذوب شدن بود. در آن روزها بعضی از مردم ایران خاطرات بیست و چند سال قبل از آن در بدخواهی استعمارگران و حوادث مربوط به ملی‌سازی صنعت نفت و کودتای امریکایی به یاد داشتند. بعضی دیگر اخبار آن را شنیده بودند و بسیاری از ایشان این واقعیت که تسلط اجنبی بر شؤون کشورمان چهما بر سر آن آورده بود را به‌خوبی لمس کرده بودند. اما روزهای قبل از آن، روزهای تیره و تار بود که سفیران دولتهای مستکبر پاینده و بنابیدها را به شاه مملکت ابلاغ می‌کردند و او هم با رغبت یا به بی‌میلی همان‌ها را اجرا می‌نمود تا آنکه انقلاب عظیم ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) آن بساط را برهم زد. آن روزهای تیره در اثر این انقلاب به روزهای پر نور برقراری جمهوری اسلامی ایران انجامید. این امر بر سلطه‌گرانی که چشم‌طمع به ثروتهای این سرزمین دوخته بودند و سالها برای از آن خود کردن آن، انواع بدی‌ها را در حق مردمان آن روا داشته بودند، بسیار گران می‌آمد. بنابراین از آن پس همهٔ هم و تلاش خود را برای برگرداندن جریان رود خروشان ملت انقلابی به سمت سابق به‌کار بستند و جنگ تحمیلی اوّل، مهمترین اقدام آنان در دمهٔ نخست حیات مبارک جمهوری اسلامی بود. از دل آتش آن جنگ که به‌دست حزب ضدّ مردمی بعث و با توهم جنگی چند روزه و به دست اوردن پیروزی‌ای کم‌زحمت افروخته شده بود، نظام اسلامی برهم‌تر و قوی‌تر از قبل، قفقش‌روار بر خاست با صلیبی رساتر و پروازی بلندتر از سابق؛ و این خصالت مستمرّ این نظام در حوادث دشمن‌ساختهٔ بعدی شد. آن روزهای که دشمن این ملت‌نورکان خود را بر ایشان مسلط ساخته بود و شکلی نوین از استعمار را اِعمال می‌نمود، به برکت انقلاب و برافراشتن پرچم اسلام و چهار در بستر جنگ تحمیلی، به روزهایی پرافتخار تبدیل شد که هنوز پس از گذر ۲۸ سال از انتهای آن، از ملاحظهٔ جزء جزء حوادث آن و روایت‌های صادقانهٔ بازماندگانش، اسوهایی که هر یک درس‌آموز عبادت، شجاعت، مقاومت، اخلاق، و انسانیّت هستند، همچون ستارگانی درخشان بر تارک تاریخ کشورمان رخ می‌نمایند. آن روزهای که در آغاز تهاجمات دنباله‌های نظام سلطه، کشورمان برای دفاع از خود در مقابل بسیاری از تهدیدات، دستانی خالی را از نظام طاغوت به ارث برده بود، به برکت اقامهٔ حق و امداد الهی، اینک به روزهایی رسیده است که خود سلطه‌گران متجاوز، و نه دنباله‌روان آنان، در مقابل حملات رزمندگان اسلام، جان‌پناهی می‌جویند و دست التماس به ترک جنگ برمی‌دارند. آن روزهایی که آنان دوست دارند کشور ما را به آن برگردانند، روزهایی بود پر از عقبنامدگی، ذلت و خواری، وابستگی، و بدنامی ایران در جهان اسلام؛ و این روزهایی که در آن هستیم بر است از پیشرفت، عزّت، استقلال، و قبرِ اعلای اعتبار در جهان اسلام و بلکه کل جهان. امروز کسانی ما را برافردت چهارم دنیا می‌دانند. البته آنان بر اساس محاسبات دنیایی چنین می‌گویند؛ ولی محاسبات الهی، کشوری که خود را متعلق به عزت ظاهره صلوات‌الله و سلامه‌علیهم‌جمعین می‌داند و عمدهٔ مردمانش دلبستهٔ آن والا مقاماند و برای اقامهٔ حق هراسی ندارند را قدرت اوّل جهان می‌داند. کل جهان، امروز کسانی که در این‌گاه نیروهای دشمن بود، ولی این روزها آنان به‌خاطر شجرات درآوری که از رزمندگان دلاور و محافظان تنگهٔ هرمز خوردند، از دریای عرب جلوتر نمی‌آیند و هرگاه این خطر را به‌جان خریدند، آسبی به‌خود وارد ن‌نمودند؛ و زود است که دریای عرب هم خود را از آنان خالی کند. روزهای بود که سلطه‌گران با عملیات روانی و ایجاد فضای اِربابهٔ خیابان‌های پایتخت را خلوت ساخته و کودتایی علیه استقلال جویی این

برخی مقامات خارجی در دیدار با پزشکیان اظهار شرمساری کرده‌اند

هرچه به قله نزدیک‌تر می‌شویم، ظرفیت بیشتری برای تحرک و عبور از موانع نیاز داریم.

زاکانی با اشاره به شهدای مقاومت و شهادت سیدحسین نصرالله افزود: در دفاع اخیر نیز شاهد شهادت رهبران و چهره‌های بزرگ مقاومت بودیم. شهید سیدحسن نصرالله بارها دعا می‌کرد که خداوند عمر او را بگیرد و به عمر امام مجاهد شهید اضافه کند، اما تقدیر الهی این بود که خود او زودتر به شهادت برسد.

وی تأکید کرد: شهدای عزیز، امروز بزرگ‌ترین ظرفیت برای یاری، دستگیری و هدایت هستند؛ آنها هم راه و الگو هستند و هم مددکار و دستگیر.

وی با اشاره به گزارش رئیس جمهور در دولت از دیدارهای خارجی خود در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل گفت: آقای پزشکیان نقل می‌کردند در برخی دیدارهای خارجی، طرف مقابل صراحتاً اعلام کرده بود که از بیان مواضع خود در برابر ایران خجالت می‌کنند، چراکه مواضع ایران را بر حق می‌دانستند. این مسئله نشان می‌دهد که امروز جهان در نقطه‌ای قرار گرفته که در حال انتخاب است.

شهردار تهران خون شهدا را عامل بیداری و افزایش جرأت ملت‌ها برای ایستادگی دانست و گفت: خون فرزندان، پدران، همسران و عزیزان شهید شما این تنبه و بیداری را رقم زده است، زمانی کسی جرأت نداشت در برابر امریکا بایستد و حتی در کشور ما برخی مقامات خارجی برای مسئولان کشور تعینید تکلیف می‌کردند، اما امروز شرایط تغییر کرده است و این نیز از برکت خون شهداست.

زاکانی ادامه داد: پیروزی نزدیک است و به لطف الهی باید مسیری را طی کنیم که در آن، تاب‌آوری خود را که خداوند به خانواده شهدا و ملت ایران عطا کرده، به جامعه منتقل کنیم. جامعه باید استقامت و تاب‌آوری خود را روزبروز افزایش دهد



بیانیه جمعی از دولتمردان سابق

■ جمعی از دولتمردان ولایی در ضرورت خروج جمهوری اسلامی ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) بیانیه ای صادر کردند.

متن بیانیه به شرح ذیل است:

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا
(سوره نساء آیه ۱۴۱)
و خداوند هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نخواهد نمود. پس از سال‌ها همکاری بی‌سابقه و شفافیت کم نظیر ایران، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نه تنها امنیتی برای ملت بزرگ ایران به ارمان نیاورد بلکه به ابزاری برای فشار، جاسوسی و مشروعیت‌سازی تجاوز و تضییع حقوق ملت ایران تبدیل شد.

اگر زمانی ادعا می‌شد که این معاهده بر موازنه‌ی بنیادین عدم گسترش سلاح هسته‌ای در برابر حق استفاده‌ی صلح‌آمیز و حفاظت از اعضا در برابر تجاوز استوار است، لکن امروز این موازنه فرو پاشیده و ادامه عضویت در آن، نه امنیت می‌آورد و نه حفاظت، بلکه دست دشمن را برای خبثات بیشتر باز می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران با پذیرش پروتکل الحاقی و اجرای دواطلبانه آن، گسترده‌ترین نظارت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را با نصب ده‌ها دوربین فراپادمانی در کلیه مراکز هسته‌ای کشور پذیرفت. این سطح از همکاری در میان اعضای معاهده بی‌سابقه است، اما نتیجه آن برای ایران نه تنها منفعت و صیانتی نبود؛ بلکه خسارت‌های فراوان مادی و معنوی مانند بمباران مراکز هسته‌ای و ترور بهترین فرزندان این ملت یعنی دانشمندان هسته‌ای را به‌همراه داشت.

آژانس که موظف به حمایت از تأسیسات صلح‌آمیز اعضا در برابر تهدید و تجاوز است، حتی حاضر نشد حملات غیرقانونی امریکا به تأسیسات ایران را بصورت لفظی محکوم نماید. مدیرکل آژانس، در برابر این تجاوز‌ها مدعی بی‌طرفی شد و از محکوم کردن خودداری نمود؛ رفتاری که همدستی با متجاوز و به سخره گرفتن حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

زبان‌بارتر از سکوت، گزارش‌سازی‌های جهت‌دار و متناقض آژانس پیش از حمله‌ی امریکا به ایران بود. آژانس با ادعاهای واهی و بی‌اساس تحت عنوان «عوامل نگران‌کننده» و درخواست «دسترسی کامل»، به ابزار مشروعیت‌بخش به اقدامات امریکا و رژیم صهیونیستی تبدیل شد.

گروسی علی‌رغم تأکید بر عدم وجود اطلاعاتی در خصوص برنامه سلاح هسته‌ای ایران، با طرح ادعای پنهان‌کاری، قضای سیاسی حمله را فراهم نمود و قطعه‌نامه شورای حکام نیز مقدمه‌ای برای تهاجم نظامی دشمن شد.در همین حال، رژیم صهیونیستی دانشمندان ارشد هسته‌ای ایران را در منازل و در زمان استراحت این عزیزان به شهادت رساند و آژانس در کمال وقاحت نه پیشگیری و نه این جنایات را محکوم کرد.وضع به گونه‌ای شده که اخیرا دولت انریش به‌عنوان میزبان آژانس نیز از صدور روایتید برای آقای دکتر محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی ایران جهت شرکت در کنفرانس عمومی وین خودداری کرد؛ اقدامی خصمانه و ناقض تعهدات میزبانی که با انتقاد نماینده روسیه همراه شد، با این وصف آژانس هیچ واکنش مؤثری نشان نداد.و از طرفی امریکا سال‌هاست که موضوع هسته‌ای را بهانه تحریم، تهدید نظامی و دشمنی علیه ایران قرار داده و حتی با فشار بر کشورهای میزبان مانع حضور مقامات ایرانی در مجامع بین‌المللی شده است ! ما ضمن حمایت از هشدار سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی و طرح نمایندگان مجلس که خروج از NPT را مطرح نمودند؛ اعلام می‌داریم: ادامه حضور در این معاهده به مصلحت کشور ن ی‌باشد و خروج از آن را به عنوان یک ضرورت راهبردی خواستاریم.شایان ذکر است که ماده ۱۰ معاهده، حق خروج در رویدادهای فوق‌العاده را به رسمیت شناخته و تهدیدهای مستمر، عدم کارآمدی و تضمین‌های ناکافی بین‌المللی، مصداق روشن رفتاری‌ها ظالمانه و عدم ضرورت همراهی با آژانس است.طبیعی است که خروج از NPT با واکنش‌های تبلیغاتی، برخی فشارهای سیاسی و احتمالا تحریرهای تازه همراه شود، اما این هزینه‌ها در مقایسه با وضعیتی که امروز بر ایران تحمیل شده، نه تنها قابل مدیریت است، بلکه از ادامه مسیر کنونی که به بمباران، ترور و تحقیر منتهی شده، کم هزینه‌تر است؛ و منفعت خروج از NPT ؛ پایان نظارت یکطرفه، جاسوسی، بهانه‌تراشی برای تجاوز از یک طرف و بازسازی بازدارندگی، حفاظت از تأسیسات و دانشمندان و استقلال کامل هسته‌ای در چارچوب استفاده صلح‌آمیز از طرف دیگر است.



از جنگ نمی‌ترسیم

■ «از جنگ نمی‌ترسیم» این عبارتی است که در روزهای پس از سخنرانی مسعود پزشکیان رئیس جمهور کشورمان در هشتاد و یکمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل، از سوی سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مورد تأکید قرار گرفت؛ عبارتی که در کنار مواضع محمدباقر قالیباف رئیس مجلس درباره «منتظر نماندن، تسلیم نشدن و تعطیل نکردن کشور» و تأکید رئیس‌جمهور بر آمادگی ایران برای دفاع از خود، تصویری از رویکرد رسمی تهران در برابر تهدید نظامی ارائه می‌دهد. رویکردی که در آن بازدارندگی نظامی، تداوم فعالیت کشور و باز گذاشتن مسیر دیپلماسی، همزمان دنبال می‌شود.

یک جمله که به محور یک پیام تبدیل شد

سرلشکر احمد وحیدی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پس از سخنرانی رئیس‌جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل در پیامی نوشت: «از جنگ نمی‌ترسیم»؛ ندای بلند و استوار ملت ایران است؛ ندایی که از تریبون سازمان ملل متحد، به زبان رئیس‌جمهور طین‌انداز شد و به گوش جهانیان رسید.

اهمیت این پیام را باید در کنار سخنان پزشکیان در نیویورک دید؛ جایی که رئیس‌جمهور از یک سو بر آمادگی ایران برای دفاع تأکید کرد و از سوی دیگر گفت تهران برای گفت‌وگو و دستیابی به یک راه‌حل توافقی درباره موضوع هسته‌ای آمادگی دارد.

بنابراین، در ادبیات رسمی جمهوری اسلامی، «ترسیدن از جنگ» لزوماً به معنای استقبال از جنگ نیست؛ بلکه به معنای اعلام آمادگی برای مواجهه با تهدید و در عین حال تلاش برای جلوگیری از تحمیل خواسته‌های طرف مقابل از طریق فشار نظامی است.

چرا سخن از «ترسیدن» به ادبیات رسمی ایران تبدیل شده است؟

برای فهم این ادبیات باید به تجربه جنگ و حافظه امنیتی ایران توجه کرد. در روایت رسمی جمهوری اسلامی، تجربه جنگ ایران و عراق و سپس مواجهه چند دهه‌ای با تحریم، تهدید نظامی و بحران‌های منطقه‌ای، این برداشت را تقویت کرده که امنیت کشور نمی‌تواند صرفاً بر تضمین‌های خارجی متکی باشد.

در همین چارچوب است که مسئولان کشورمان در سال‌های اخیر، «قدرت دفاعی» را بخشی از مفهوم امنیت ملی معرفی کرده‌اند؛ مفهومی که تنها به تجهیزات نظامی محدود نیست و مؤلفه‌هایی مانند استمرار فعالیت اقتصادی، تاب‌آوری اجتماعی، توان تولید داخلی و ظرفیت دیپلماتیک را نیز دربر می‌گیرد.

از همین زاویه، سخنان اخیر قالیباف نیز قابل توجه است. رئیس مجلس در هفتمین مراسم گرامیداشت پیشگوسان دفاع مقدس گفت ایران «نه هرگز منتظر می‌ماند، نه تسلیم می‌شود و نه کشور را تعطیل می‌کند» و تأکید کرد که کشور باید تا پایان تهدید به فعالیت خود ادامه دهد. او همچنین مذاکره را لزوماً در نقطه مقابل مقاومت ندانست و آن را انتقال بخشی از میدان تقابل به عرصه دیپلماسی توصیف کرد.

این موضع نشان می‌دهد که در نگاه رسمی تهران، یکی از اهداف بازدارندگی صرفاً پاسخ نظامی نیست؛ بلکه جلوگیری از تبدیل تهدید خارجی به اختلال در اداره کشور نیز بخشی از آن محسوب می‌شود.

«ترسیدن از جنگ» به معنای «خواستن جنگ» نیست

یکی از نکات مهم در کنار هم گذاشتن مواضع اخیر مقام‌های ایرانی، تفکیک میان آمادگی برای جنگ و تمایل به جنگ است.

پزشکیان در سخنرانی سازمان ملل اعلام کرد ایران برای دفاع از کشور خود آماده است، اما هم‌زمان بر مذاکره و دستیابی به توافق درباره موضوع هسته‌ای تأکید کرد. او همچنین گفت ایران سلاح هسته‌ای را عامل امنیت نمی‌داند و راه‌حل موضوع هسته‌ای را در یک توافقی می‌داند که هم صلح‌آمیز بدون برنامه ایران را تضمین کند و هم حقوق ایران را به رسمیت بشناسد.

رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با شبکه CBS نیز بر وجود «جو بی‌اعتمادی عمیق» میان تهران و واشنگتن تأکید کرد، اما در عین حال گفت اگر چارچوب مورد توافق پذیرفته شود، ایران به تعهدات خود پایبند خواهد بود.

به این ترتیب، پیام‌های اخیر تهران را می‌توان در دو گزاره خلاصه کرد: فشار و تهدید نظامی نباید ایران را به تسلیم وادار کند؛ اما درهای مذاکره نیز بسته نیست.

تجربه جنگ، سرمایه‌ای برای بازدارندگی یا یادآور هزینه‌های آن؟

در تحلیل مواضع رسمی ایران، جنگ فقط یک موضوع نظامی نیست؛ بلکه یک تجربه اجتماعی و تاریخی نیز محسوب می‌شود. مفهوم «دفاع مقدس» در ادبیات سیاسی ایران طی چهار دهه گذشته به الگوی برای توضیح مفاهیمی مانند ایستادگی، بسیج اجتماعی، اتکا به توان داخلی و مقاومت در برابر فشار خارجی تبدیل شده است. قالیباف نیز در سخنان اخیر خود همین پیوند را میان تجربه دفاع مقدس و مفهوم قدرت ملی برقرار کرد و گفت آنچه در جنگ آموخته شده، امروز در عرصه‌های مختلف از فناوری و اقتصاد تا دیپلماسی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از این منظر، وقتی مقام‌های ایرانی از «ترسیدن از جنگ» سخن می‌گویند، مخاطب اصلی این پیام تنها طرف مقابل نیست؛ بلکه جامعه داخلی نیز مخاطب آن است؛ اینکه تهدید خارجی نباید به توقف فعالیت‌های عمومی، اقتصادی و سیاسی کشور منجر شود. چرا تهران روی «قدرت» تأکید می‌کند؟

پزشکیان در سخنرانی سازمان ملل صراحتاً گفت ایران «قدرت لازم» را برای دفاع از خود می‌خواهد و میان قدرت دفاعی و تجاوز تفاوت قائل شد. او همچنین تأکید کرد که ایران برای دفاع از کشورش از دیگران اجازه نمی‌گیرد. این موضع را می‌توان بخشی از منطق بازدارندگی دانست: در این چارچوب، کشوری که توان پاسخ‌گویی به حمله را داشته باشد، تلاش می‌کند هزینه اقدام نظامی علیه خود را افزایش دهد. در سوی دیگر، همین منطق با یک چالش مهم نیز روبه‌رو است؛ زیرا افزایش قدرت نظامی می‌تواند در محیطی پرتنش به افزایش نگرانی طرف‌های مقابل نیز منجر شود. از همین رو، تهران تلاش می‌کند در کنار نمایش توان دفاعی، بر «دفاعی بودن» آن و آمادگی برای گفت‌وگو تأکید کند.

«آلن دو باتن» مرگ را معنا بخش زندگی می‌داند



اعتقاد دارد دلیل اصلی فلاکت انسان ها ترس از مرگ است و برای رهایی از ترس مرگ سه گذاره دارد اینکه زمانی که تن من بمیرد آگاهی من هم از بین می رود و حسی از نابودی نیست. یکی از معروف ترین استدلال‌های او علیه ترس از مرگ در نامهای است که به مناساس می‌نویسد: هنگامی که ما هستیم، مرگ نیست؛ و هنگامی که مرگ هست، ما نیستیم و این یعنی احساسی درباره مرگ نداریم بنابراین مرگ یک تجربه آگاهانه نیست، همچنین او معتقد است مرگ مثل قبل از تولد است که از آن تصویر روشنی نداریم و از این طریق ابراز می کند همانطور که پیش از تولد از نبودن خود رنج نمی‌بردیم، پس از مرگ نیز، تجربی‌ای از نبودن وجود نخواهد داشت.

افلاطون و «تمرین مردن»

در نقطه‌ای دیگر از تاریخ فلسفه، افلاطون مرگ را به مسئله‌ای فلسفی تبدیل می‌کند.او از «تمرین مردن» سخن می‌گوید که مقصود از این تغییر، صرفاً انتظار برای مرگ نیست بلکه نوعی فاصله گرفتن از وابستگی افراطی به امور جسمانی و ناپایدار و توجه به حقیقت و فضیلت است. از این منظر اندیشیدن به مرگ بازنگری در اولویت ها می شود به همین دلیل در سنت فلسفی افلاطونی مرگ ابزاری برای فلسفیدن و بازاندیشی در معنای زندگی می شود.

مرگ به زندگی معنا می‌دهد

اما یکی از جذاب ترین تفکرات به مرگ را در دوره معاصر آلن دوباتن، نویسنده و فیلسوف انگلیسی دارد. او در آثار و گفتارهای خود بارها به رابطه میان مرگ و معنای زندگی پرداخته است. در این نگاه، محدود بودن زندگی یکی از عواملی است که به لحظات آن ارزش می‌دهد. . او مرگ را یادآور زیستن می داند و معتقد است مرگ باعث می شود قدردان زمان باشیم و ناپایداری به زندگی معنا می بخشد. او می گوید اگر مرگ وجود نداشت زندگی بی معنا می شد و ما لذت از زندگی را وامدار مرگ هستیم چرا که چیزهایی از دست رفتنی برای ما زیاتر هستند .

مرگ را معنا بخش زندگی می‌شود.

همه فرهنگ‌ها نوعی تلاش برای معنا دادن به مرگ دیده می‌شود.

برداشت‌های متفاوت از مرگ و شکل‌گیری جهان‌بینی انسان

هر انسان می‌تواند برداشت متفاوتی از مرگ داشته باشد و همین برداشت، بخشی از جهان معنایی او را شکل دهد. کسانی که مرگ را دروازه‌ای به سوی جهانی دیگر می‌دانند، ممکن است زندگی کنونی را مرحله‌ای موقت و مقدماتی برای حیات آینده تلقی کنند. در مقابل، کسانی که مرگ را پایان حیات و آگاهی فردی می‌دانند، ممکن است بر اهمیت همین زندگی و استفاده از فرصت محدود آن تأکید بیشتری داشته باشند.

در هر دو حالت، نکته مهم این است که تصور انسان از مرگ درباره «چگونگی زندگی کردن» است و جهان بینی او نسبت به زندگی را تغییر دهد و از همین مسیر تجربه ها، انتخاب ها، ارزش ها و اهداف او را تحت تاثیر خود قرار دهد. فردی را تصور کنید که تا قبل از ابتلا به بیماری صعب العلاج نوعی در حال گذران نوعی از زندگی بود اما به محض شنیدن این خبر که تا چند ماه دیگر بیشتر زنده نیست، به سبکی دیگر از زندگی روی می آورد.

ترس از مرگ، ترس از اضطراب

واضح است که مرگ می تواند با احساسات متفاوتی از سوی انسان ها رو به رو شود. برخی از آن می ترسند و اتفاقاً این ترس یکی از ترس های بنیادین بشری است چرا که ناشناخته بودن، فقدان کنترل و ناتوانی انسان در تجربه آنچه پس از مرگ رخ می‌دهد، می‌تواند مرگ را به موضوعی اضطراب‌آور تبدیل کند. اما واکنش انسان به این ترس همیشه یکسان نیست. انسان‌ها در طول تاریخ برای مواجهه با این ترس، نظام‌های معنایی مختلفی ساخته‌اند. ادیان، فلسفه‌ها، آیین‌ها و حتی آثار هنری را می‌توان تا حدی تلاش‌هایی برای فهم و معنا دادن به مرگ دانست. انسان هنگامی که نمی‌تواند از مرگ جلوگیری کند، تلاش می‌کند آن را بفهمد، برای آن معنایی پیدا کند و جایگاه خود را در برابر آن تعریف کند.

در این میان، مفهوم «مرگ‌آگاهی» اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. مرگ‌آگاهی به معنای توجه و آگاهی انسان نسبت به فناپذیری و محدود بودن زندگی است. این آگاهی الزاماً به معنای ترس دائمی از مرگ نیست، بلکه می‌تواند انسان را به بازاندیشی درباره زندگی و ارزش‌های آن وادار کند.

مرگ زمانی است که ما دیگر وجود نداریم

در میان فیلسوفان یونان باستان، اپیکور یکی از مشهورترین اندیشمندانی است که درباره ترس از مرگ بحث کرده است. اپیکور فیلسوف یونانی که در دسته فیلسوفان مادی گرا جای می گیرد و در خصوص مرگ

مرگ، این واقعه مهم، رازآلود و در عین حال قطعی، پدیده‌ای که گذشتگان را به کام خود کشانده، نسل‌های امروز را با پرسش‌های بی‌پاسخ مواجه کرده و ما و آیندگان نیز گریزی از مواجهه با آن نخواهیم داشت در همه دوران ها بخشی از تفکر انسان ها را به خود مشغول کرده است. شاید مرگ از محدود واقعیت‌هایی باشد که درباره وقوع آن برای همه انسان‌ها اطمینان داریم، اما درباره آنچه پس از آن رخ می‌دهد، همچنان پرسش‌های بسیاری وجود دارد. چه اتفاقی پس از مرگ برای انسان رخ می‌دهد؟ آیا آگاهی انسان با مرگ پایان می‌یابد یا شکل دیگری از هستی آغاز می‌شود؟ آیا جهان دیگری وجود دارد؟ انسان پس از مرگ به کجا می‌رود و آیا زندگی دنیوی معنایی فراتر از همین حیات مادی دارد؟

این پرسش‌ها از بنیادی‌ترین پرسش‌های تاریخ بشر بوده‌اند. انسان از زمانی که توانسته درباره هستی، خود و آینده بیندیشد، درباره مرگ نیز اندیشیده است. آثار تاریخی، آیین‌های تدفین، ادیان، اسطوره‌ها، آثار ادبی و فلسفی و حتی هنرهای تصویری، همگی به نوعی نشان می‌دهند که مرگ صرفاً یک رویداد زیستی نبوده، بلکه همواره مسئله‌ای فرهنگی، فلسفی و معنایی نیز بوده است.

ادیان مختلف هر یک بر اساس جهان‌بینی خود پاسخی برای این پرسش‌ها ارائه کرده‌اند. در برخی سنت‌های دینی، مرگ گذرگاهی از یک مرحله هستی به مرحله‌ای دیگر است و در برخی برداشت‌های فلسفی و مادی‌گرایانه، مرگ پایان آگاهی و حیات فردی تلقی می‌شود. با این حال حتی در جایی که مرگ پایان زندگی دانسته می‌شود، پرسش درباره آن می‌تواند بر شیوه زندگی انسان تأثیر بگذارد. به همین دلیل، مسئله اصلی تنها محدود به این نیست که پس از مرگ چه اتفاقی می‌افتد؟ بلکه این پرسش هم اهمیت دارد که باور ما درباره مرگ، چگونه بر زندگی امروز ما اثر می‌گذارد؟

هر آنچه از مرگ میبینیم در همین جهان است نه جهان بعد از مرگ

مواجهه روزمره انسان با مرگ معمولاً از طریق مرگ دیگران اتفاق می‌افتد. ما مرگ نزدیکان، دوستان، شخصیت‌های شناخته‌شده و دیگر انسان‌ها را مشاهده می‌کنیم، بنابراین تجربه شخصی و مستقیم پس از مرگ در اختیار ما نیست. حتی تجربه‌هایی که با عنوان «تجربه نزدیک به مرگ» شناخته می‌شوند، مربوط به افرادی است که در شرایطی نزدیک به مرگ قرار گرفته‌اند اما از آن وضعیت بازگشته‌اند، بنابراین نمی‌توان آنها را به‌طور قطعی معادل تجربه پس از مرگ دانست. از این رو تمامی تجربه هایی که از مرگ داریم در حقیقت بازهم وابسته به این نداشت نه دنیای پس از مرگ.

شاید به همین دلیل باشد که مرگ در فرهنگ‌های مختلف چهره‌های متفاوتی پیدا کرده است. برای یک فرهنگ، مرگ گذر به جهانی دیگر است. برای فرهنگی دیگر، بازگشت به چرخه طبیعت، و برای نگرشی فلسفی، پایان آگاهی فردی. با وجود این تفاوت‌ها، تقریباً در

والدین گرفتار جهان دیجیتال و کودکانی که گوشی را کنار نمی‌گذارند

■ یک کودک را تصور کنیم که صبح با صدای اعلان تلفن همراه از خواب بیدار می‌شود، هنگام صبحانه چشمش به صفحه گوشی است، بعد از بازگشت از مدرسه به خانه پای گوشی تلفن همراه تلبت یا کنسول بازی می‌نشیند و شب نیز با تلفن همراه به رختخواب می‌رود. این تصویر دیگر چندان دور از زندگی بسیاری از کودکان و نوجوانان نیست. جهان دیجیتال به بخشی جدایی‌ناپذیر از کودکی امروز تبدیل شده است. جهانی که هم فرصت‌های بزرگی برای یادگیری و ارتباط ایجاد کرده و هم نگرانی‌هایی جدی درباره سلامت جسمی، روحی و کیفیت زندگی کودکان به وجود آورده است.مساله البته صرفاً «یاد گوشی دست گزفتن» نیست. فناوری دیجیتال دیگر یک ابزار بیرونی نیست که کودک هر از گاهی از آن استفاده کند بلکه بخشی از محیط زندگی اوست. بازی، آموزش، سرگرمی، ارتباط با دوستان و حتی شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان، همه می‌تواند در فضای آنلاین اتفاق بیفتد. یونسف نیز در گزارش‌های خود تأکید کرده است که فناوری دیجیتال می‌تواند برای کودکان فرصت یادگیری، بازی، ارتباط و کسب مهارت ایجاد کند، اما در شرایط خاص می‌تواند بر سلامت روان و رفاه آنان نیز اثر منفی بگذارد. بنابراین، شاید نخستین خطای ما این باشد که مساله را صرفاً به «گوشی» تقلیل دهیم. آنچه تغییر کرده، «سبک زندگی» است.مشکل فقط زمان نیستوقتی از استفاده کودکان از تلفن همراه صحبت می‌کنیم، معمولاً نخستین پرسش این است که «چند ساعت در روز به استفاده از آن سپری می‌شود؟» اما زمان به تنهایی معیار کاملی نیست. دو کودک ممکن است هر کدام سه ساعت مقابل صفحه گوشی باشند، اما یکی از آنها در حال یادگیری، ساختن یک اثر یا ارتباط با دوستان باشد و دیگری ساعت‌ها مشغول مصرف بی‌وقفه محتوای دیجیتال و بازی باشد. پرسش مهمتر از «چند ساعت؟» این است که «کودک در این مدت چه چیزی را از دست می‌دهد؟» اگر تلفن همراه باعث شود کودک کمتر بخوابد، کمتر بازی فیزیکی کند، کمتر با خانواده و دوستان خود گفت‌وگو کند، کمتر کتاب بخواند یا کمتر تجربه واقعی داشته باشد، مساله جدی‌تر می‌شود. صفحه نمایش زمانی می‌تواند به مساله تبدیل شود که جای بخش‌های مهم دیگری از زندگی را بگیرد.

وقتی صفحه نمایش به سلامت روان گره می‌خورد

یکی از مهم‌ترین نگرانی‌ها درباره استفاده افراطی از رسانه‌های دیجیتال، آثار احتمالی آن بر سلامت روان کودکان و نوجوانان است. البته نمی‌توان گفت هر کودکی که زیاد از گوشی استفاده می‌کند، الزاماً دچار مشکل ذهنی و روانی خواهد شد. رابطه میان استفاده از فناوری و سلامت روان پیچیده است و عوامل مختلفی مانند شرایط خانوادگی، ویژگی‌های فردی، کیفیت خواب، روابط اجتماعی و نوع محتوای مصرف‌شده در آن نقش دارند.با این حال، استفاده افراطی یا مسالسه‌ساز از فضای دیجیتال می‌تواند با مجموعه‌ای از مشکلات از جمله اختلال در خواب، کاهش فعالیت بدنی، احساس انزوا، اضطراب، تحریک‌پذیری و دشواری در تمرکز، همراه شود. سازمان جهانی بهداشت نیز در ارتباط با بازی‌های دیجیتال، «اختلال بازی» را به‌عنوان یک وضعیت قابل تشخیص در طبقه‌بندی بین‌المللی بیماری‌ها تعریف کرده است. البته این وضعیت با صرفاً زیاد بازی کردن تفاوت دارد و زمانی مطرح می‌شود که کنترل فرد بر بازی مختل شده و بازی بر فعالیت‌های روزمره و زندگی او غلبه کند.



آیا چیزی به نام «جوانی» واقعاً وجود دارد؟

■ نمی‌توان پدیده‌های نسلی یا تحرکات اعتراضی جوانان را بدون درک لایه‌های زیرین طبقاتی، تورم سرمایه فرهنگی و اقتصاد سیاسی جانشینی به‌درستی فهمید.

پیر بوردیو در مقاله کمتر شناخته‌شده‌اش با عنوان طعنه‌آمیز «جوانی تنها یک کلمه است» که حاصل مصاحبه‌ای در سال ۱۹۷۸ است دست روی مغالطه‌ای می‌گذارد که هنوز هم در تحلیل‌های اجتماعی و رسانه‌ای قربانی می‌گیرد: تقلیل سن و نسل به یک واقعیت صرفاً زیست‌شناختی.

بوردیو نشان می‌دهد که «نسل» و مرزبندی‌های سنی، نه پدیده‌های طبیعی، بلکه سازه‌هایی اجتماعی و ابزارهایی سیاسی برای اعمال قدرت و بازتولید نظام طبقاتی‌اند.

او استدلال می‌کند که مفهوم سن و تعریف مرزهای جوانی و پیری، پیش از هر چیز میدانی برای رقابت بر سر مشروعیت، صلاحیت و مهم‌تر از همه «سرعت جانشینی» است.

سالخوردان و صاحبان ساختار همواره تلاش می‌کنند ترمز جانشینی را بکشند؛ آن‌ها با متغیر نگه‌داشتن مرزهای جوانی و حواله دادن همه‌چیز به مفاهیمی مثل «تجربه»، «پختگی» یا متهم کردن تازمواردان به ناپختگی و بی‌مسئولیتی، انتقال قدرت، موقعیت و سرمایه را به تعویق می‌اندازند.

در مقابل، جوان‌ترها می‌کوشند با تکیه بر صلاحیت‌های علمی جدیدتر، انباشت سرمایه فرهنگی و مدارک تحصیلی بالاتر، این مرزها را پس بزنند و مشروعیت نظم پیشین را به چالش بکشند.

بنابراین آنچه در ظاهر شکاف نسلی خوانده می‌شود، در واقع تقابل میان دو حالت متفاوت از نظام آموزشی و توزیع سرمایه است.

نکته درخشان دیگر بوردیو، نقد یکسان‌انگاری تجربه جوانان است. در گذشته تفاوت طبقاتی آشکاری میان جوانان بورژوا (دانشجویانی که در وضعیتی معلق و بی‌دغدغه ورود به مسئولیت‌های بزرگسالی را به تأخیر می‌انداختند) و جوانان طبقه کارگر (که مستقیماً و بی‌واسطه وارد بازار کار و معیشت خشن می‌شدند) وجود داشت.

اما با تحول و انبساط نظام آموزشی، پدیده مدرک‌گرایی حتی به فرزندان طبقات فرودست و کارگری نیز سرایت کرد؛ کسانی که حالا برای تغییر سرنوشت طبقاتی وارد دانشگاه‌ها شدند. پیامد محتم این همگانی‌شدن بدون تغییر ساختارهای اقتصادی، شکل‌گیری «تورم مدرک» و افت شدید ارزش آن در بازار کار بود.

این فرایند نسلی را پدید آورد که با یک شکاف ویرانگر روبه‌روست: شکاف میان «آرزوهای موضوعیت‌یافته در سیستم آموزشی» و «شانس‌های واقعی در بازار».

ساختار به این جوانان مدارج تحصیلی و به تبع آن امیدها و سبک‌های زیستی جدید اعطا کرده، اما جهان واقعی بازار موقعیتی برای تحقق این انتظارات ندارد. این گسست عمیق، احساس فریب‌خوردگی، سرخوردگی و خشم جمعی را به بار می‌آورد.

از همین‌جاست که بوردیو ریشه پدیده‌ای را توضیح می‌دهد که در نسل‌های جدید به‌وضوح قابل ردیابی است: «شورش‌های اتومیک و انحراف از سیاست‌ورزی سنتی».

این خشم لزوماً به جنبش‌های سیاسی متشکل، آرمان‌خواه یا ساختارمند گذشته ختم نمی‌شود؛ بلکه به شکل یک دل‌زدگی همه‌جانبه، نوعی نیهیلیسم پنهان، بی‌اعتمادی به تمامی نهادها (از دانشگاه و کار تا سیاست و خانواده) و سردرگمی عمیق ناشی از تجربه نابرابری بروز می‌یابد؛ واکنشی به جامعه‌ای که وعده پیشرفت داد اما درهای عملی را بست.

هرچند این متن چند دهه پیش نوشته شده، اما چارچوب تحلیلی آن همچنان برای مطالعات نسلی معاصر راهگشاست؛ هشدار جدی که نشان می‌دهد نمی‌توان پدیده‌های نسلی یا تحرکات اعتراضی جوانان را بدون درک لایه‌های زیرین طبقاتی، تورم سرمایه فرهنگی و اقتصاد سیاسی جانشینی به‌درستی فهمید.

تحقیر ترامپ از سوی پزشکیان و تاثیر آن بر آینده جنگ



به نقل از رای الیوم، عبدالباری عطوان تحلیلگر مسائل راهبردی منطقه به مقاله جدید خود با اشاره رد پیشنهاد ایران از سوی دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا؛ نوشت که پیشنهاد ایران شامل توقف اقدامات خصمانه در همه جبهه‌ها، از جمله لبنان، به مدت یک هفته و سپس بازگشایی تنگه هرمز به روی کشتیرانی بین‌المللی بود. این پیشنهاد همچنین شامل اجرای مفادی بود که در یادداشت تفاهم ایران و آمریکا پس از مذاکرات اسلام‌آباد آمده است که از جمله آنها رفع محاصره همه بنادر ایران، آزادسازی ۱۲ میلیارد دلار از دارایی‌های مسدود شده ایران و لغو همه تحریم‌های نفتی علیه ایران است.

عطوان افزود که شاید منطقی‌ترین توضیح برای رد این پیشنهاد از سوی ترامپ، خشم شدید او از «ضربه محکمی» است که رئیس‌جمهور ایران به او وارد کرد. پزشکیان پیشنهاد برگزاری دیداری در سطح سران را که می‌توانست به توافقی برای توقف جنگ بینجامد، نپذیرفت. چنین دیداری می‌توانست ترامپ را در جایگاه «مرد صلح» قرار دهد، بخشی از محبوبیت رو به افولش را بازگرداند و به نجات حزب جمهوری‌خواه از شکست و حفظ اکثریت آن در هر دو مجلس کنگره، سنا و نمایندگان، کمک کند. ترامپ به این دیدار و ملاقات با رئیس‌جمهور ایران امید بسته بود و همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد پزشکیان گذاشته بود. هدف این بود که این دیدار به ردبانی برای پایین‌آمن از موضع سخت ترامپ درباره جنگ در ایران تبدیل شود؛ جنگی که دولت او به دلیل ناکامی در دستیابی به اهدافش، از جمله تغییر نظام و نابودی برنامه‌های هسته‌ای و موشکی ایران، قطعاً در آن شکست خورده است.

عطوان با اشاره به تاثیرات روند فعلی بر نتایج میان دوره‌ای کنگره آمریکا نوشت که عدم توافق برای پایان جنگ، یا تعیین تکلیف نظامی



دروغ عجیب سنتکام درباره تنگه هرمز

■ ستاد مرکزی ارتش تروریستی آمریکا (سنتکام) با بیان دروغی بزرگ و باورنکردنی به منظور تأثیرگذاری هرچند حداقلی بر افکار عمومی آمریکایی‌ها ادعا کرد که تنگه هرمز باز است!

به نقل از خبرگزاری الجزیره، ستاد مرکزی ارتش تروریستی آمریکا (سنتکام) امروز دوشنبه با بیان دروغی بزرگ و باور نکردنی به منظور تأثیرگذاری هرچند حداقلی بر افکار عمومی آمریکایی‌ها که از افزایش شدید قیمت ها در کشورشان به دلیل تبعات ناشی از تجاوز پرهزینه ترامپ به ایران به شدت عصبانی هستند، ادعا کرد که تنگه راهبردی هرمز بسته است.

ستاد مرکزی ارتش تروریستی آمریکا (سنتکام) که در آستانه انتخابات میان دوره ای کنگره این کشور شکست هم حزبی های جمهوریخواه خود را حتمی می داند، کوشید بخشی از شکست های دولت کشورش علیرغم صرف هزینه ده ها میلیارد دلاری در تجاوز علیه تهران را اینگونه توجیه کند: یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امروز اعلام کرد که ایران از طریق «نیروی دریایی» خود، کنترل کامل تنگه هرمز را در اختیار دارد. این ادعا نادرست است.

ایران نیروی دریایی ندارد، زیرا نیروهای آمریکایی آن را غرق کردند. همچنین ایران کنترلی بر تنگه هرمز ندارد؛ گواه این امر، عبور آزادانه هزاران کشتی و بیش از یک میلیارد بشکه نفت از این تنگه تنها در چند ماه گذشته است!

ادعای واهی تروریست های سنتکام در حالی مطرح می شود که رئیس جمهور فرانسه اخیراً با اذعان به بسته بودن تنگه هرمز بر خلاف ادعای دولت ترامپ، خواستار دستیابی به یک راه حل دیپلماتیک برای بازگشایی آن شده بود.

۲۶ سال کشتار و تجاوز به مسجدالاقصی



در اعتراض به دروازه های الکترونیکی برای بازرسی نمازگزاران که مقامات اشغالگر نصب کرده بودند، شدت گرفت. این خیزش با عقب‌نشینی مقامات اشغالگر از تصمیم خود پایان یافت. در جریان این خیزش ۱۵ فلسطینی به شهادت رسیدند و صدها نفر زخمی شدند. ب: جنگ‌ها

جنگ فرقان (نام صهیونیستی: سرب گذاخته ۲۰۰۸-۲۰۰۹): رژیم صهیونیستی در ۲۷ دسامبر ۲۰۰۸، جنگی را علیه نوار غزه آغاز کرد که آن را «عملیات سرب گذاخته» نامید و مقاومت فلسطین در غزه با عملیاتی که آن را «نبرد فرقان» نامید، پاسخ داد. تهاجم وحشیانه رژیم صهیونیستی در این جنگ ۲۳ روز طول کشید و بیش از ۱۴۳۰ شهید فلسطینی بر جای گذاشت که شامل بیش از ۴۰۰ کودک، ۳۴۰ زن و ۱۳۴ پلیس بود، بیش از ۵۴۰۰ نفر نیز در این جنگ زخمی شدند. همچنین بیش از ۱۰ هزار خانه در غزه به طور کامل یا جزئی ویران شد.

سنگ‌های سبیل (نام صهیونیستی: ستون ابرها ۲۰۱۲): رژیم صهیونیستی تجاوز خود در سال ۲۰۱۲ را «ستون ابرها» نامید و مقاومت فلسطین با نبرد «سنگ‌های سبیل» پاسخ داد. این جنگ در ۱۴ نوامبر ۲۰۱۲ آغاز شد و ۸ روز به طول انجامید. در این تجاوز حدود ۱۸۰ فلسطینی شهید شدند که شامل ۴۲ کودک و ۱۱ زن بود و حدود ۱۳۰۰ نفر زخمی شدند.

علف جویده شده (نام صهیونیستی: صخره استوار ۲۰۱۴): در ۷ ژوئیه ۲۰۱۴، رژیم صهیونیستی عملیاتی را با نام «صخره استوار» آغاز کرد و مقاومت با نبرد «علف جویده شده» به آن پاسخ داد. این درگیری ۵۱ روز ادامه داشت و ارتش اشغالگر طی آن بیش از ۶۰ هزار حمله به نوار غزه انجام داد. این جنگ منجر به شهادت ۳۳۲۲ نفر و مجروح شدن ۱۱ هزار نفر شد. رژیم صهیونیستی در این جنگ جنایاتی علیه ۱۴۴ خانواده مرتکب شد که از هر کدام حداقل ۳ نفر به شهادت رسیدند. نبرد فریاد سپیدمدم ۲۰۱۹: صبح ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹، اهالی غزه با صدای انفجار موشکی از یک پهپاد اسرائیلی بیدار شدند. این موشک بهاء ابوالعطا فرمانده منطقه شمالی در «گردان های القدس» (شاخه نظامی جهاد اسلامی) در غزه را در آپارتمان مسکونی‌اش در محله شجاعیه در شرق غزه هدف قرار داد که منجر به شهادت او و همسرش شد. نیروهای اشغالگر همچنین چندین حمله انجام دادند که منجر به شهادت ۳۴ فلسطینی و زخمی شدن بیش از ۱۰۰ نفر شد که شامل فعالان سرایا القدس و تعداد زیادی غیرنظامی بود.

شمشیر قدس (نام صهیونیستی: نگهبان دیوارها ۲۰۲۱): نبرد «شمشیر قدس» که رژیم صهیونیستی آن را «نگهبان دیوارها» نامید، پس از آن آغاز شد که شهرک‌نشینان خانه‌های اهالی قدس در محله شیخ جراح را تصرف کردند. این درگیری به دلیل یورش نیروهای اسرائیلی به مسجدالاقصی شعله‌ور شد. این نبرد حدود ۲۵۰ شهید فلسطینی و بیش از ۵ هزار مجروح بر جای گذاشت، رژیم صهیونی همچنین چندین برج مسکونی در غزه را بمباران کرد و مدعی تخریب حدود ۱۰۰ کیلومتر از تونل‌ها در غزه شد.

وحدت میلان‌ها (نام صهیونیستی: فجر صادق ۲۰۲۲): در ۵ اوت ۲۰۲۲، رژیم صهیونیستی «تسیر الجبری»، فرمانده منطقه شمالی



دفاع از قدس و مسجد الاقصی

■ جنبش حماس در بیست و ششمین سالگرد انتفاضه الاقصی تصریح کرد که قطب‌نمای آن همچنان به سوی آزادسازی سرزمین و مقدسات فلسطین ثابت خواهد ماند.

به نقل از مرکز اطلاع رسانی فلسطین ، جنبش مقاومت اسلامی حماس در بیست و ششمین سالگرد انتفاضه مبارک الاقصی تأکید کرد قطب‌نمای این جنبش همچنان به سوی آزادسازی سرزمین و مقدسات ثابت خواهد ماند و از امت عربی و اسلامی و آزادگان جهان خواست از مبارزه و پایداری ملت فلسطین تا دستیابی به حقوق مشروع خود حمایت کنند.

حماس در بیانیه که به همین مناسبت صادر کرد، ابراز داشت که بیست و ششمین سالگرد انتفاضه مبارک الاقصی امسال در شرایطی فرا می‌رسد که کابینه فاشیستی رژیم صهیونیستی از طریق جنگ تجاوزکارانه علیه سرزمین، ملت و مقدسات فلسطین، به ویژه قدس و مسجد الاقصی، سطحی بی‌سابقه از تشدید تجاوزات را دنبال می‌کند و از شهرک‌نشینان افراطی در اقدامات جنایتکارانه آنان حمایت می‌کند؛ اقداماتی که با هدف تشدید تلاش‌ها برای یهودی‌سازی مسجد الاقصی، هتک حرمت آن، محو نشانه‌ها و هویت آن و تثبیت طرح‌های الحاق و کوچ اجباری صورت می‌گیرد.

این جنبش تأکید کرد انتفاضه مبارک الاقصی که در ۲۸ سپتامبر سال ۲۰۰۰ آغاز شد، نمادی الهام‌بخش برای همه نسل‌ها در طول تاریخ بوده و خواهد ماند.

انتفاضه‌ای که حامل مفاهیم قهرمانی و حمایت از قدس و مسجدالاقصی است و تأکید می‌کند جایات دشمن و تروریسم مستمر آن هرگز نخواهد توانست شعله مقاومت را خاموش کند یا عزم و اراده ملت فلسطین را در هم بشکند.

حماس در بیست و ششمین سالگرد انتفاضه الاقصی بار دیگر بر عهد وفاداری به خون شهدا و فداکاری‌های اسرا تأکید کرد و افزود ملت فلسطین هرگز از سرزمین، حقوق، اصول ثابت و مقدسات خود چشم‌پوشی نخواهد کرد .

طرح‌های دشمن و کابینه‌های فاشیستی متوالی آن، هر اندازه نیز بر وحشیگری و جنایات خود بیفزایند، محکوم به شکست خواهند بود.

این جنبش تأکید کرد شهر قدس و مسجد الاقصی در قلب درگیری مستمر ملت فلسطین با دشمن صهیونیستی قرار دارند و مسجد الاقصی همچنان وقف اسلامی باقی خواهد ماند.

وقفی که نه قابل تقسیم است و نه قابل شراکت و رژیم اشغالگر در هیچ بخش و هیچ وجب از آن، حاکمیت یا مشروعیتی نخواهد داشت.

حماس افزود دفاع از مسجد الاقصی تا زمان آزادسازی آن ادامه خواهد یافت و هیچ عقب‌نشینی از این مسیر صورت نخواهد گرفت.

این جنبش تأکید کرد حرکت همه جریان‌های فلسطینی به سوی توافق بر سر یک راهبرد واحد مبارزاتی، همراه با حمایت مستمر و جدی و مشارکت موثر امت عربی و اسلامی و آزادگان جهان، یکی از پایه‌های اساسی پروژه آزادسازی سرزمین و مقدسات و مقابله با طرح‌های رژیم اشغالگر است.

حماس از فلسطینیان مقاوم در سراسر کرانه باختری، اراضی اشغالی ۱۹۴۸، بیت‌المقدس و مناطق پیرامونی آن خواست حضور و عزیمت به مسجد الاقصی، پاسداری و اعتکاف در این مسجد را ادامه دهند تا از مسجد الاقصی دفاع کرده و طرح‌های رژیم صهیونیستی و شهرک‌نشینان افراطی را ناکام بگذارند.

این جنبش همچنین از امت عربی و اسلامی و آزادگان جهان خواست به طور فوری و جدی در همه سطوح سیاسی، دیپلماتیک، رسانه‌ای و مردمی وارد عمل شوند .

همه ظرفیت‌ها را برای حمایت از ملت فلسطین که در سرزمین خود و در عرصه‌های قدس و مسجد الاقصی در حال مقاومت و پایداری است، بسیج کنند.

حماس همچنین خواستار مقابله با طرح‌های جنایتکارانه‌ای شد که مسجد الاقصی را هدف قرار داده‌اند و تأکید کرد این تلاش‌ها باید تا آزادسازی کامل مسجد الاقصی از لوٲ اشغالگری ادامه یابد.

این جنبش در پایان به ارواح شهدای انتفاضه الاقصی و تمامی کاروان‌های شهدای ملت فلسطین که در مسیر آزادسازی سرزمین و مقدسات به شهادت رسیدند، ادای احترام کرد و تأکید کرد به خون، فداکاری‌ها و مسیر آنان وفادار خواهد ماند تا تمامی حقوق ملت فلسطین به طور کامل بازپس گرفته شود.

صادرات نفت خارک در جنگ ۴ه روزه ۱۰ درصد افزایش یافت



نفت با شجاعت و دلآوری در محل کار خود ماندند و اجازه ندادند صادرات نفت حتی برای یک روز متوقف شود.

وی افزود: این روجیه در سال‌های پس از جنگ نیز تداوم یافت و در جنگ‌های اخیر بار دیگر شاهد حضور کارکنان صنعت نفت در صحنه بودیم.مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران با اشاره به حملات انجام‌شده به پایانه نفتی خارک در جنگ اخیر اظهار کرد: با وجود ۵۴۸ مورد اصابت که بخش عمده آن‌ها موشک‌های سنگرشکن بود، کارکنان پایانه نفتی خارک توانستند ۷۰ میلیون بشکه نفت کشور را صادر کنند.

اسدروز با تشریح راهبردهای این شرکت برای مدیریت بحران گفت: نخستین راهبرد این بود که صادرات نفت، به‌عنوان مؤلفه‌ای راهبردی در پشتیبانی از اقتصاد ملی، غیرقابل تعلیق باشد. وی افزود: حضور مدیران در صحنه سبب شد فاصله میان تصمیم‌گیری و اجرا کاهش یابد و حتی در مواردی به صفر برسد؛ موضوعی که امکان واکنش سریع به تهدیدهای متغیر و پیچیده را فراهم کرد.

اسدروز سرمایه انسانی را مهم‌ترین عامل موفقیت در تداوم فعالیت پایانه‌ها دانست و گفت: کارکنان در جریان جنگ اخیر با دو نوع فشار روبه‌رو بودند؛ فشار ناشی از کار مضاعف عملیاتی و فشار ناشی از تهدید و عدم قطعیت. با وجود این شرایط، آنان در صحنه ماندند و

به نقل از شرکت پاپانه‌های نفتی ایران، عباس اسدروز در حاشیه بازدید از نمایشگاه اسناد و تصاویر صنعت نفت در دوران دفاع مقدس، با اشاره به مأموریت این شرکت در تداوم زنجیره تولید تا صادرات نفت و گاز کشور گفت: شرکت پاپانه‌های نفتی ایران از طریق فرایندهای دریافت، ذخیره‌سازی، اندازه‌گیری و صادرات، به زیرساخت‌های راهبردی صنعت نفت متصل است و مخازن ذخیره‌سازی، اسکله‌های صادراتی و خطوط لوله بخش مهمی از این زنجیره را تشکیل می‌دهند.

وی افزود: تأسیسات شرکت پاپانه‌های نفتی ایران به دلیل جایگاهشان در زنجیره صادرات نفت، در رده زیرساخت‌های حیاتی قرار دارند و به‌عنوان آخرین حلقه عملیاتی اتصال صنعت نفت به مشتریان داخلی و خارجی، باید همواره در آماده‌ترین شرایط باشند. مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران با اشاره به برنامه‌های نوسازی این شرکت بیان کرد: طی یکی‌دو سال گذشته، ۵۰۰ میلیون یورو اعتبار برای اجرای طرح‌های مختلف در حوزه خطوط لوله، مخازن ذخیره‌سازی، اسکله‌های صادراتی و دیگر زیرساخت‌های عملیاتی، پشتیبانی و رفاهی اختصاص یافته است.

اسدروز ادامه داد: بخشی از این طرح‌ها مراحل برگزاری مناقصه را پشت سر گذاشته، پیمانکاران آن انتخاب شده‌اند و عملیات اجرایی آغاز شده است. بخشی دیگر نیز در مرحله برگزاری مناقصه قرار دارد و پیمانکاران آن‌ها به‌زودی انتخاب خواهند شد.

وی تصریح کرد: هم‌اکنون تعمیرات اساسی هفت تا هشت مخزن با ظرفیت یک میلیون و ۵۰۰ هزار بشکه در حال انجام است و تعمیرات اساسی اسکله‌های شرقی و غربی پایانه نفتی خارک نیز در دستور کار قرار دارد.

مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران افزود: در بخش ذخیره‌سازی، مخازنی با ظرفیت ۱۴۰ هزار بشکه تا یک میلیون بشکه در پایانه نفتی خارک وجود دارد که نوسازی و تعمیرات اساسی آن‌ها در قالب طرح‌های پیش‌بینی‌شده دنبال می‌شود.

خارک؛ قلب صادرات نفت کشور

اسدروز با اشاره به جایگاه راهبردی جزیره خارک گفت: این جزیره از نظر ژئوپلیتیک و ژئواکونومیکی جایگاه ویژه‌ای دارد و به‌عنوان بزرگ‌ترین پایانه نفتی کشور، حدود ۹۳ درصد نفت خام کشور در آن دریافت، ذخیره‌سازی و صادر می‌شود.

وی ادامه داد: شاید آن‌گونه که باید به جایگاه خارک پرداخته نشده باشد، اما این جزیره بخشی از تاریخ مقاومت و پایداری ملت ایران از دوران هشت سال دفاع مقدس تا جنگ‌های اخیر را روایت می‌کند. مدیرعامل شرکت پاپانه‌های نفتی ایران با اشاره به تجربه شخصی خود از حضور در خارک بیان کرد: سال ۱۳۷۵ که وارد خارک شدم، آثار بمباران‌های دوران جنگ تحمیلی هنوز در جزیره قابل مشاهده بود و کارکنان صنعت نفت با دستان خالی، شجاعت و روحیه ایثار پای کار مانده بودند و صادرات نفت را ادامه می‌دادند.

۲۸۸۸ روز جنگ و بیش از ۲۸۰۰ حمله به خارک

اسدروز گفت: در طول هشت سال دفاع مقدس که ۲۸۸۸ روز به طول انجامید، خارک بیش از ۲۸۰۰ بار هدف حمله قرار گرفت و بارها زیر قرمز در این جزیره به صدا درآمد، اما کارکنان صنعت



زمستان سختی در پیش است

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به بازیابی ۶۰ درصد ظرفیت‌های آسیب‌دیده از جنگ، درباره دشواری‌های تأمین خوراک در زمستان پیش رو هشدار داد.

به نقل از شرکت ملی صنایع پتروشیمی، امید شاکری روز دوشنبه، ششم مهر در حاشیه آیین امضای تفاهم‌نامه‌های اجرای پویش «نیض انرژی» در جمع خبرنگاران با اشاره به آسیب‌های واردشده به صنعت پتروشیمی در جریان جنگ، بیان کرد: آسیب‌های واردشده به صنعت پتروشیمی به دو بخش پوتیلیتی‌ها و برخی فرایندهای خاص وارد شد که در هر دو بخش اقدام‌های مناسبی برای بازسازی در حال انجام است و روند بازسازی پوتیلیتی‌ها به‌طور مستمر پیگیری می‌شود.

وی افزود: در عسلویه و ماهشهر که دو قطب اصلی صنعت پتروشیمی کشور هستند، روند بازسازی و بازیابی ظرفیت‌ها به‌نحوی مطلوب در حال اجراست و تلاش می‌کنیم تا پایان اسمال بخش قابل‌توجهی از ظرفیت‌های از دست‌رفته دوباره به چرخه تولید بازگردد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی تصریح کرد: تاکنون حدود ۶۰ درصد ظرفیت‌های از دست‌رفته صنعت پتروشیمی بازیابی شده و به چرخه تولید بازگشته است و امیدواریم تا پایان سال شرایط از این نشظر بهبود بیشتری پیدا کند.

شاکری با اشاره به محدودیت‌های خوراک در زمستان گفت: احتمالاً در زمستان با محدودیت‌های گاز ناشی از ناترازی روبه‌رو خواهیم بود؛ موضوعی که هر سال وجود داشته و امسال با توجه به آسیب‌های دشمن به صنعت پالایش، شرایط دشوارتر شده است.

با این حال، از نظر مقدار بازیابی ظرفیت‌ها و آمادگی برای تولید، وضع صنعت پتروشیمی در شرایط مناسبی قرار دارد و تلاش می‌کنیم تا پایان سال وضع بهتری در این بخش داشته باشیم.

وی با اشاره به اعمال محدودیت‌های انرژی در فصل زمستان بیان کرد: هر سال در زمستان با افزایش مصرف گاز در بخش خانگی، محدودیت‌هایی ناخواسته برای بخشی از صنایع اعمال می‌شد که صنعت پتروشیمی نیز از این محدودیت‌ها بی‌نصیب نیست.

شاکری افزود: امسال شرایط دشوارتر است؛ حدود ۲۳۰ میلیون مترمکعب از ظرفیت پالایشی صنعت گاز از دست رفته که با تلاش همکاران در وزارت نفت، شرکت ملی گاز و شرکت ملی نفت ایران، بخشی از این ظرفیت‌ها به چرخه تولید بازگشته است، اما همچنان کمبودهایی وجود دارد.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: تلاش می‌کنیم آثار جنگ و کاهش ظرفیت‌های ایجادشده را برای مجتمع‌های پتروشیمی به حداقل برسانیم، اما واقعیت این است که امسال شرایط برای صنعت پتروشیمی سخت‌تر خواهد بود.

وی درباره وضعیت صادرات افزود: صنعت پتروشیمی در اصل فروشنده محصول است؛ این صنعت محصولات خود را صادر می‌کند، ارز حاصل از آن را برمی‌گرداند و تمام فرایند صادرات و بازگشت ارز تحت نظارت بانک مرکزی انجام می‌شود و از این بابت مشکلی وجود ندارد.

شاکری با بیان اینکه البته شرایط جنگ و محاصره به‌طور طبیعی مشکلاتی برای صادرات ایجاد کرده است، تصریح کرد: اما با تدابیر اتخاذشده، تلاش می‌شود صادرات این صنعت پایدار بماند و بازگشت ارز نیز انجام شود تا نیازهای اصلی بخش‌های مصرف‌کننده ارز در کشور تأمین شود.

مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با اشاره به برگزاری پویش کاهش مصرف انرژی (نیض انرژی) گفت: امروز از همه مردم و بخش‌های مصرف‌کننده دعوت می‌کنیم با پشتیبانی از این حرکت ملی، به تأمین بیشتر انرژی کمک کنند تا بتوانیم چالش خوراک مجتمع‌های پتروشیمی را کاهش دهیم.

شاکری تأکید کرد: همراهی همه بخش‌های مصرف‌کننده و کاهش مصرف انرژی می‌تواند به تأمین انرژی بیشتر برای صنایع و در نتیجه کاهش مشکلات مربوط به خوراک پتروشیمی‌ها کمک کند.

چک الکترونیک؛ تیر خلاص بانک مرکزی به فرار مالیاتی و شخری



به تسویه به‌موقع بدهی‌های جاری ملزم می‌سازد.

اینرسی بازار سنتی و ضرورت تکامل قراردادهای هوشمند حذف کرده و امنیت روانی کم‌ظهوری را برای فعالان بازار به ارمغان آورده است.

کاهش زمان وصول مطالبات به مدد اجراییه مستقیم

یکی از دستاوردهای بازار قانون جدید، بهره‌مندی چک دیجیتال از ظرفیت ماده ۲۳ قانون صدور چک است که انقلابی در وصول مطالبات تجاری محسوب می‌شود. در گذشته، در صورت فقدان موجودی حساب صادرکننده، دارنده چک ناگزیر بود ماه‌ها و حتی سال‌ها در راهروهای مجتمع‌های قضایی به دنبال اثبات ماهوی طلب خود باشد؛ روندی فرسایشی که هزینه‌های سنگین دادرسی و وکیل را بر طلبکار تحمیل می‌کرد. در سازوکار چک دیجیتال، گواهی عدم پرداخت با کد رهگیری اختصاصی در سامانه متمرکز صادر می‌شود و دارنده می‌تواند بدون نیاز به طرح دعوی حقوقی ماهوی، مستقیماً از دوایر اجرای احکام دادگستری تقاضای صدور اجراییه کند. هم‌زمان، سامانه برخط یا مسودسازی وجوه صادرکننده در تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی به میزان مبلغ کسری، ریسک بدهکار بودن را افزایش داده و بدهکاران را

به‌روژه فراگیری چک الکترونیک با حذف فیزیکی کاغذ و اتکا به امضای دیجیتال، شفافیت مالی را ارتقا داده و مسیر تسویه مطالبات را هموار ساخته است.

اصلاح قانون صدور چک در سال ۱۳۹۷ سرآغاز گذار از نظام پرداخت سنتی به ساختاری شفاف و قانون‌مند بود؛ بستری که اکنون با بلوغ پروژه چک امن دیجیتال (چک الکترونیک) به ایستگاه پایانی خود یعنی حذف کامل فیزیکی کاغذ نزدیک می‌شود. چک همواره به عنوان مهم‌ترین ابزار اعتباری غیرنقدی در بازار ایران شناخته می‌شد، اما حجم فرایند پرونده‌های ناشی از برگشت اسناد تجاری و عدم تقارن اطلاعاتی میان صادرکننده و گیرنده، ریسک مبادلاتی را در اقتصاد به اوج رسانده بود. با عملیاتی شدن چک دیجیتال، داده‌پیام‌های امن و ساختار یافته جایگزین اوراق فیزیکی شده‌اند؛ تحولی که افزون بر ساده‌سازی عملیات بانکی، سرعت گردش وجه نقد و اعتبارات تجاری را در بدنه اقتصاد به شکل چشمگیری افزایش می‌دهد.

شفافیت زنجیره ارزش و اسناد مسیرهای فرار مالیاتی

در ساختار پیشین، صدور چک با هزینه‌های آشکار و پنهان متعددی همراه بود؛ از چاپ امنیتی دسته‌چک و توزیع شعبی گرفته تا زمان صرف‌شده برای مراجعه حضوری و خطاهای احتمالی کارکنان در بازخوانی ارقام و ثبت سیستمی. علیرضا کیانی، کارشناس سامانه‌های پرداخت و فناوری اطلاعات بانکی، در این خصوص معتقد است که چک دیجیتال فرایند تسویه را از حالت چندروزه به تسویه در لحظه تبدیل کرده است.

وی تأکید می‌کند که در گذشته، بررسی وضعیت چک و انطباق آن با حساب صادرکننده نیازمند ثبت در سامانه چکاوک و مبادله تصویر لاشه چک بود که معمولاً دست‌کم یک روز کاری زمان می‌برد، اما در چک دیجیتال، عملیات کارسازی و خواباندن به حساب از بستر وب‌سرویس‌های آئی انجام شده و وجه در کوتاه‌ترین زمان ممکن به حساب ذی‌نفع منتقل می‌شود. این امر به معنای کاهش محسوس خواب پول و بهبود نقدینگی فعالان اقتصادی در گردش روزمره است. از سوی دیگر، اتصال مستقیم این سند به کد ملی و شناسه یدکنای صیاد، امکان هرگونه انتقال صوری یا پشت‌نویسی‌های دستی مجهول‌الوجه را به صفر رسانده و شفافیتی عینی برای سامانه‌های مالیاتی کشور ایجاد کرده است.

امنیت غیرقابل نفوذ از طریق رمزنگاری و امضای دیجیتال

ستون فقرات این پدیده نوین بر زیرساخت کلید عمومی (PKI) و نمادهای حاکمیتی احراز هویت استوار شده است. در چک الکترونیک، مفهوم حقوقی «اتکارناپذیری» از طریق امضای دیجیتال محقق می‌شود؛ به این معنا که صادرکننده پس از ثبت سند با هویت دیجیتال تأییدشده خود، نمی‌تواند منکر انتساب امضا یا محتوای مندرج در آن شود. در رویه کاغذی، یکی از عارضه‌های مزمن شبکه بانکی و محاکم قضایی، دعاوی جعل امضا، الحاق متقلبانه کلمات و اعداد، سرقت برگه چک یا شست‌وشوی جوهر اسناد بود. در بستر الکترونیک، با ثبت هش‌های رمزنگاری‌شده در پایگاه‌های داده مرکزی بانک مرکزی،



تاکید رادان بر ضرورت شناخت ابعاد جنگ

فرمانده کل انتظامی کشور با تأکید بر ضرورت شناخت ابعاد جنگ ترکیبی و شناختی دشمن، بر پیش‌بینی سناریوهای احتمالی، انجام اقدامات پیشگیرانه و پیش‌دستی در روایت‌سازی رسانهای تأکید کرد.

سردار احمد رادان، در نشست با مدیران سازمان عقیدتی سیاسی فرابجا، با اشاره به درس‌ها و ارزش‌های دفاع مقدس اظهار داشت: دفاع مقدس و جلوه‌های ایثار، گذشت، از خودگذشتگی، سلحشوری و نزدیک‌شدن به خدا باید به‌عنوان ارزش‌هایی ماندگار به نسل‌های بعد منتقل شود.

وی افزود: امروز همه نیروهای مسلح و مردم، جلوه‌هایی را که در دفاع مقدس دیده و حس شد، در دفاع‌های دیگر نیز تجربه کردند و باید از این تجربه‌ها برداشت داشته باشیم تا این ارزش‌ها زنده بماند و فراموش نشود.

فرمانده کل انتظامی کشور با اشاره به جنگ شناختی دشمن تصریح کرد: دشمن به دنبال کوچ و هجرت مردم از فضای دفاع مقدس و ارزش‌های ایثار و شهادت است؛ از این رو کار هادیان سیاسی در این موضوع حساس‌تر می‌شود.

اگر قرآن و نهج‌البلاغه را بیاموزیم اما از آن برای تبیین و استحکام و قوام ارزش‌ها استفاده نکنیم، در حقیقت توانسته‌ایم از این ظرفیت بهره بگیریم.

سردار رادان با بیان اینکه مسئله را باید به‌خوبی شناخت، گفت: باید مسئله پیش‌رو و ابعاد جنگ ترکیبی دشمن را بشناسیم. جنگ ترکیبی، بخشی از جنگ ادراکی و شناختی است و دشمن تلاش می‌کند باورها و ذهن‌ها را تحت تأثیر قرار دهد.

وی ادامه داد: جنگ شناختی این هنر را دارد که ارزش را به ضد ارزش و ضد ارزش را به ارزش تبدیل کند. بنابراین باید مسئله را به‌درستی بشناسیم و همه ابعاد آن را بررسی کنیم.

سردار رادان با اشاره به محاسبات دشمن در جنگ‌های اخیر اظهار داشت: دستگاه محاسباتی دشمن گاهی به خطا می‌رود و باید این مسئله را به‌درستی شناخت.

دشمن در جنگ‌های اخیر تصور می‌کرد با ضربه‌زدن به فرماندهان و زیرساخت‌ها می‌تواند ساختار کشور را دچار اختلال کند، اما در عمل مشاهده شد که با وجود شهادت فرماندهان، ساختار و توان دفاعی کشور به مسیر خود ادامه داد.

وی با اشاره به اهداف دشمن در جنگ ترکیبی، با تأکید بر ضرورت پیش‌بینی سناریوهای دشمن افزود: باید در برابر بدترین سناریوی دشمن، پیش‌بینی و مقابله داشته باشیم و ساختارهای نظامی و دفاعی را متناسب با شرایط ترمیم کنیم. سناریوهای دشمن باید پیش‌بینی شود و اقدامات پیشگیرانه نیز انجام گیرد.

فرمانده کل انتظامی کشور، «استحکام درونی و سلامت باطنی سازمان» را از اولویت‌ها دانست و گفت: هرچه سلامت باطنی سازمان بالاتر باشد، استحکام درونی آن بیشتر می‌شود و می‌توان نقشه دشمن را در تفکر و اختلافات خنثی کرد. وقت اختلاف و دوگانگی نیست؛ همه باید در کنار یکدیگر باشیم.

خانم سلیمانی ـ پلیس: سردار رادان در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت پیش‌دستی رسانه‌ای و روایتی تأکید کرد و گفت: یک وقت شبهه ایجاد می‌شود و ما به دنبال برطرف‌کردن آن می‌رویم، در حالی که کارمان سخت‌تر می‌شود؛ چراکه باید روایت اول را ما بسازیم.

باید پیش‌دستی روایت حقیقت و واقعیت را داشته باشیم و احتمالات روایت‌سازی کذب دشمن را پیش‌بینی کنیم تا قبل از اینکه دشمن روایت کذب خود را بسازد، روایت درست را تبیین کنیم.

فرمانده کل انتظامی جمهوری اسلامی ایران در خاتمه با اشاره به اهمیت توجه به سربازان وظیفه گفت: سربازان دو روایت از ما با خود می‌برند؛ یک روایت از داخل و یک روایت بیرونی که در ذهنشان شکل می‌گیرد.

روایت و تصویری که از ما با خود می‌برند ممکن است سال‌ها در ذهن آنها باقی بماند؛ بنابراین باید به این موضوع توجه ویژه داشته باشیم.



و عنوان کرد: موضوع تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قضایی نیز از جمله موضوعات بسیار حائز اهمیت است. تأخیر در رسیدگی‌ها، آثار منفی و خسارات زیادی به دنبال دارد و برخی از آنها ضمان‌آور است. قاضی‌القضات، مبارزه با فساد اقتصادی را یک اولویت دائمی و همیشگی در دستگاه قضا دانست و خاطرنشان کرد: اگر چه شرایط در کشور جنگی است، اما این شرایط نیز دلیل نمی‌شود که قوه قضاییه مقوله‌ی مبارزه با فساد در ساحات مختلف بویژه فساد اقتصادی را فراموش و ترک کند؛ قوه قضاییه کماکان با قدرت، موضوع ریشه‌کنی فساد و مبارزه با مظاهر و مصادیق فساد، بویژه در ساخت اقتصادی و مالی را دنبال می‌کند و در استیفای حقوق بیت‌المال، با هیچ‌کس تعارف و مجامله ندارد.حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌آزای، با تأکید بر غیرقابل تحمل بودن ناهنجاری‌های اجتماعی برای مردم، اظهار کرد: اگر چه موضوع مبارزه با فساد اقتصادی، بسیار حائز اهمیت و اولویت‌دار است؛ لکن نباید فساد را منحصر به ساخت اقتصادی آن دانست؛ همین قضیه‌ی ناهنجاری‌های اجتماعی و بعضاً ولنگاری‌ها و برهنگی‌ها، که عموم مردم متدین و حتی شهروندان مپهن‌دوست ما را آزرده و متأذى کرده است، می‌تواند زمینه فساد باشد. بر همین اساس، به دادستان کل کشور به عنون مدعی‌العموم دستور می‌دهم که با همکاری و مساعدت سایر بخش‌های انتظامی، اطلاعاتی و متولیان دولتی، در راستای صیانت از حقوق مردم و مبارزه با مظاهر فساد، موضوع مقابله با ناهنجاری‌های اجتماعی و بعضاً ولنگاری‌ها و برهنگی‌ها را با قاطعیت و منطق با مر قانون پیگیری کند. قطعاً در این قضیه باید تدبیر، درایت و برنامه‌ریزی به خرج داد و از هر عمل مغایر با شرع و قانون پرهیز و احتراز کرد. آنچه ضروری است جمع کردن این بساط ناهنجاری و برهنگی است؛ لکن با تدبیر و درایت، رئیس‌جمهور و مجلس نیز موافق این قضیه هستند. در این راستا، نباید از غوغاسالاری‌ها و هیاهوها هراسید.رئیس قوه قضاییه در بخش دیگری از سخنانش در نشست امروز، با اشاره به وحدت و انسجام ملت و مسئولان پیرامون مسائل کلان، اظهار کرد: مردم و مسئولان ما پیرامون مسائل و موضوعات اصلی و کلان، اتفاق‌نظر و وحدت عقیده دارند و امر و کلام رهبری معظم انقلاب را فصل‌الخطاب می‌دانند. مردم ما که بالغ بر ۷۰ ماه است مادیبن و خیابان‌ها را در حمایت از نظام تسخیر کرده‌اند، تأکید دارند که ذره‌ای از حقوق مسلم خود کوتاه نمی‌آیند و به هیچ وجه تسلیم ظالمان نمی‌شوند. دشمن غذا را ما چنانچه دست از پا خطا کند مطمئن باشد که با پاسخی سخت‌تر و سنگین‌تر از قبل مواجه خواهد شد.

تأکید اژه‌ای بر برخورد با قصور در تأمین کالا

قوت و قدرت استمرار باید، عنوان کرد: با ورودی که قوه قضاییه طی ۵ سال اخیر به این حوزه داشته، وضعیت در عرصه‌ی مذکور، به طرز قابل توجهی بهبود یافته است؛ لکن موضوع اساسی آن است که در پیگیری‌ها و بازدیدهای ما ضعف و فترت حاصل نشود تا مبادا وضعیت این حوزه، مجدداً به شکل قبل بازگردد.

قاضی‌القضات با تأکید بر ضرورت رفع ریشه‌ای معضلات حوزه‌ی واردات، خاطرنشان کرد: اینکه قوه قضاییه به موضوعات و معضلات حوزه‌ی فرآیندهای وارداتی، به صورت موردی و قهری ورود پیدا کند، امر لازمی است؛ لکن اصل اساسی، درمان ریشه‌ای است؛ باید رویه‌ها و روند‌های وارداتی، یکبار برای همیشه اصلاح شود تا دیگر شاهد وجود منافذ و حفره‌ها در این عرصه نباشیم. تمامی بخش‌ها و دستگاه‌های ذیربط اعم از واردکنندگان دولتی و غیردولتی و بخش‌های متولی و حاکمیتی عرصه‌ی فرآیندهای وارداتی، باید به قوانین و مقررات، التزام کامل داشته باشند. اینکه دستگاه‌های مسئول در بارگزاری و تبادل اطلاعات در سامانه جامع تجارت یا سامانه جامع انبار‌ها، قصور و کوتاهی به خرج دهند و در نتیجه این امر، کالاهای اساسی در انبار‌ها خاک بخورند و هزینه به بیت‌المال تحمیل شود، به هیچ وجه قابل قبول نخواهد بود و قوه قضاییه در این زمینه و در راستای صیانت از حقوق عامه، با جدیت، ورود خواهد داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی آژای در ادامه با قدردانی از دادستان تهران به سبب کثرت بازدیدهای میدانی و اعمال توجه ویژه به مقوله‌ی نظارت بر تأمین و توزیع کالاهای اساسی، گفت: دشمن غدار و متجاوز، بسیار به شکل‌گیری حقطی در کشور ما بواسطه‌ی جنگ و محاصره، امید بسته بود؛ لکن با تفضل خداوند و مجاهدت مردم و مسئولان، این تیر دشمن به سنگ خورد.رئیس قوه قضاییه در ادامه سخنانش به موضوع تراستی‌ها نیز گریزی زد و گفت: موضوعات و مسائل ارزی از مقولات مورد توجه و اولویت‌دار در کشور است؛ فلذا بازگشت ارزی‌های حاصل از صادرات برای کشور بسیار مهم و خطیر می‌باشد. در این راستا، قوه قضاییه با جدیت بر موضوع تراستی‌هایی که تعهدات خود را ایفا نکرداند، ورود کرده است. ما اجازه نخواهیم داد این موضوع، مشمول مرور زمان شود و تأکید مؤکد داریم که همه بدهکاران به بیت‌المال باید بدهی‌های خود را صاف و تسویه کنند. در فقره‌ی تراستی‌ها، به مسئولان قضایی مربوطه، چه در دادسرا و چه در دادگاه، دستور داده شده تا آن دسته از پرونده‌هایی که از پیچیدگی‌های چندانی برخوردار نیستند را هرچه سریع‌تر تعیین تکلیف کنند. در ارتباط با سایر پرونده‌های این حوزه نیز که ممکن است مشتمل بر جزئیات و پیچیدگی‌های بیشتری باشند، دستور تسریع و تدقیق هر چه مصاعف‌تر صادر شده است.رئیس دستگاه قضا، بر استمرار در پیگیری موضوعات مفتوح شده تأکید و تصریح کرد: موضوعات و مقولاتی که توسط مسئولان و بخش‌های مختلف قضایی، جهت پیگیری، مفتوح و گشوده می‌شوند باید تا انتها و حصول نتیجه غایی و جامع، دنبال شوند. فی‌المثل سازمان بازرسی کل کشور به موضوع شرکت‌های دولتی که دارای بودجه‌های معتنا‌بهی هستند ورود کرده است؛ این موضوع دارای لایه‌های مختلفی است و ضرورت دارد هر لایه آن، جداگانه مورد بررسی و تدقیق و تصمیم‌گیری قرار گیرد و به صرف تدوین یک گزارش کلی اکتفا نشود.رئیس عدلیه، به موضوع تسریع در رسیدگی‌ها نیز پرداخت

حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌آژای، روز دوشنبه ۶ مهر، طی سخنانی در نشست شورای‌عالی قوه قضاییه، با تأکید مؤکد بر صیانت از معیشت مردم و نظارت مجدانه بر امر تأمین و توزیع کالاهای اساسی در کشور، اظهار کرد: موضوع تأمین و توزیع کالاهای اساسی و سهولت دسترسی مردم به آنها، یک موضوع بسیار حیاتی و خطیر است و قوه قضاییه نسبت به این مقوله، اهتمامی تام و تمام دارد. در بازدیدی که اخیراً از یکی از بنادر استراتژیک کشور داشتم، متوجه شدم که مقادیر زیاد و متنابهی گوشت، در سردخانه آن بندر نگهداری می‌شود و این محموله، قابلیت مصرف انسانی خود را از دست داده است. این امر در حالی است که اکنون در کشور، مشکل گرانی گوشت وجود دارد و مردم از این قضیه آزرده و متأذى هستند؛ بنابراین اینکه مقدار زیاد و معتنا‌بهی گوشت در انبار و سردخانه بماند و منقضی شود، هیچ توجیه و وجهی ندارد و مسئولان و دست‌اندرکاران ذی‌ربط در امر واردات و ایضاً متصدیان صدور مجوز برای تخلیه و توزیع این محموله و محموله‌هایی از این قبیل، ضمن اینکه باید پاسخگو باشند باید نهایت هماهنگی و مساعدت را با یکدیگر داشته باشند تا دیگر شاهد تکرار اتفاقات مشابه نباشیم. البته قطعاً چه در این فقره و چه در فقره‌های مشابه، چنانچه اشخاص یا بخش‌هایی قصور و تقصیر داشته باشند، به حسب، به قصور و تقصیر آنها، رسیدگی مقتضی خواهد شد. موضوع تأمین کالاهای اساسی مردم، موضوعی نیست که بتوان با دیده اغماض به آن نگریست.

رئیس قوه قضاییه افزود: در مورد دیگری، در جریان بازدید از بندر استراتژیک مورد اشاره، شاهد بودم که ۶ هزار تن کتجاله سویا، مدت‌ها قبل، توسط یک شرکت زیرمجموعه وزارت جهادکشاورزی وارد کشور شده اما طبق ادعای مسئولان شرکت واردکننده، به سبب تأخیر و تعلل در صدور مجوز‌ها، محموله‌ی مزبور، کماکان تخلیه نشده است. عدم تخلیه این محموله و نگهداری آن در ۱۵۰ واگن، سبب شده روزانه هزینه قابل توجهی دموراز نیز پرداخت شود. اولاً این تأخیر و تعلل در تخلیه و توزیع محموله‌ی مذکور که خوراک دام و طیور است، سبب می‌شود در بازار و دسترسی مردم به محصولات دامی و طیوری، نقصان ایجاد شود. ثانیاً همان هزینه‌ی گزاف دموراز، اثر خود را در قیمت تمام شده می‌گذارد و نتیجتاً محصولات دامی و طیوری، گران‌تر به دست مردم و مصرف‌کنندگان می‌رسد. این وضعیت قابل قبول نیست و باید با سرعت و تعجیل، مشکلات و نارسایی‌های این حوزه مرتفع شود.

رئیس دستگاه قضا به موضوع ۶۰۰ تن برنج انبارشده در بندر استراتژیک موردبازدید نیز اشاره کرد و ادامه داد: موضوع دیگری که در بازدید از آن بندر استراتژیک، توجه من را به خود جلب کرد، موضوع ۶۰۰ تن برنجی بود که مدت‌ها در انبار مانده بود و ترخیص نشده بود. صاحب محموله‌ی مذکور مدعی بود که به سبب تأخیر در انجام فرآیندهای مرتبط و صدور مجوز‌ها، بالغ بر ۹ میلیارد تومان هزینه مازاد و اضافی متقبل شده است. باید توجه داشت که این هزینه‌ی مازاد و اضافی، از جیب آن واردکننده پرداخت نمی‌شود بلکه اثر خود را در قیمت تمام شده برنج می‌گذارد و سبب تحمیل هزینه به مردم و مصرف‌کنندگان می‌شود.

رئیس عدلیه با بیان اینکه ضروری است مقوله‌ی ساماندهی فرآیندهای صادراتی و وارداتی و وضعیت بنادر، گمرکات و انبار‌های اموال تملیکی، با

حقوق سالمندان باید به ۹۰ درصد حقوق شاغلان برسد

سالمندان نیز موضوع مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد و با تصویب قوانین لازم، منابع مالی مشخصی برای آن پیش‌بینی شود.

عزیزی همچنین بر ضرورت مناسب‌سازی محیط شهری برای سالمندان تأکید کرد و گفت: شهر‌های ما باید به گونه‌ای طراحی شوند که سالمندان در آنها احساس آرامش و نشاط داشته باشند. میلمان و زیرساخت‌های شهری باید متناسب با نیازهای سالمندان باشد تا این قشر بتواند با سهولت و آرامش بیشتری در جامعه حضور داشته باشد.

وی خاطرنشان کرد: سالمندان بخش مهمی از سرمایه اجتماعی کشور هستند و حفظ عزت، کرامت، سلامت، معیشت و مشارکت اجتماعی آنان باید به یک اولویت جدی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های اجرایی تبدیل شود.

سالمندی یک مرحله ارزشمند از عمر انسان است

در ادامه مراسم، پیمان فلسفی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفت: سالمندی یکی از مراحل ارزشمند عمر انسان است و فرد در این دوره، کوهی از تجربه و کوله‌باری از دانش و تجربه دارد که باید مورد استفاده دیگران قرار گیرد.

وی افزود: بر اساس برخی تقسیم‌بندی‌ها، دوران کودکی تا حدود ۱۰ سالگی، نوجوانی از ۱۰ تا ۲۰ سالگی و جوانی از ۲۰ تا ۶۵ سالگی در نظر گرفته می‌شود و افراد ۶۵ تا ۷۵ ساله در دوره میانسالی و افراد بالای ۷۵ سال در دوره سالمندی و کهنسالی قرار می‌گیرند. بنابراین بسیاری از افرادی که امروز در این مراسم حضور دارند، با توجه به نشنان هنوز در دوره میانسالی قرار دارند.

فلسفی با تقدیر از برگزاری برنامه تجلیل از سالمندان گفت: توجه به سالمندان و قدردانی از آنها اقدام ارزشمندی است و باید برای این قشر ارزش و جایگاه ویژه‌ای قائل باشیم.

وی با اشاره به خدمات کمیته امداد به سالمندان ادامه داد: کمیته امداد در زمینه حمایت از سالمندان و رسیدگی به مسائل آنها اقدامات ارزشمندی انجام داده است و این نهاد در طول سال‌های فعالیت خود منشأ خدمات و برکات فراوانی بوده است.

این نماینده مجلس با اشاره به برخی مشکلات سالمندان در دریافت تسهیلات گفت: یکی از مسائلی که سالمندان هنگام مراجعه به ما مطرح می‌کنند، موضوع دریافت تسهیلات و وام است. در مواردی فردی که برای دریافت وام مراجعه می‌کند، به دلیل داشتن بیش از ۷۰ سال سن، امکان دریافت تسهیلات را ندارد. این موضوع یک معضل است

ابراهیم عزیزی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در همایش تجلیل و گرامیداشت سالمندان حضور پیدا کرد و با اشاره به ضرورت خدمت‌رسانی به محرومان و سالمندان، گفت: خدمت به مردم و گروگشایی از مشکلات آنان از مهم‌ترین وظایف در نظام اسلامی است و همه مسئولان باید با حفظ عزت و کرامت محرومان، برای رفع مشکلات آنان تلاش کنند.

وی با بیان اینکه رفع فقر و محرومیت از اهداف مهم نظام جمهوری اسلامی است، افزود: محرومان، مستضعفان و فقرا دارای حق هستند و نباید در فرآیند خدمت‌رسانی، منی بر آنان گذاشته شود. اگر در مجلس اعتباری اختصاص می‌دهیم یا منابعی برای کمیته امداد، بهزیستی، مسکن و سایر حوزه‌های حمایتی تأمین می‌کنیم، در واقع به وظیفه خود عمل کرده‌ایم و برای اختصاص منابع بیشتر نیز آمادگی داریم.

عزیزی در ادامه با اشاره به موضوع سالمندی گفت: سالمند هزینه نیست، بلکه سرمایه است؛ سرمایه‌ای از خرد، تجربه، دانش، هویت و پیوند نسلی که باید برای استفاده از آن برنامه‌ریزی شود.

وی با تأکید بر ضرورت حفظ معیشت و کرامت سالمندان اظهار کرد: در مجلس حداقل ۹۰ درصد حقوق شاغلان را برای سالمندان در نظر گرفته‌ایم و این موضوع را باید ادای دین به سالمندان و جبران سرمایه‌گذاری آنان دانست.

این نماینده مجلس همچنین سلامت و بیمه تکمیلی سالمندان را از دیگر موضوعات مهم برشمرد و گفت: در حوزه سالمندی، سند ملی نیز تدوین و رونمایی شده است، اما این سند باید به مجلس ارائه و تبدیل به قانون شود تا پس از تصویب، برای اجرای آن ردیف بودجه مشخصی در نظر گرفته شود.

وی ادامه داد: درخواست ما این است که دبیرخانه سند ملی سالمندان، این سند را از طریق دولت به صورت لایحه به مجلس ارائه کند. مجلس برای بررسی و تصویب این لایحه آمادگی دارد و در صورت ارائه آن، نمایندگان از هیچ تلاشی برای تصویب و اجرای آن دریغ نخواهند کرد.

عزیزی با اشاره به اهداف پیش‌بینی‌شده در سند ملی سالمندان گفت: توانمندسازی سالمندان یکی از ماموریت‌های مهم این سند است. سالمندان خود می‌توانند در فرآیند توانمندسازی جامعه و حتی جوانان نقش‌آفرین باشند.

وی ارتقای سلامت، افزایش سرمایه اجتماعی، توسعه زیرساخت‌ها، توجه به مسائل مالی و ارتقای سطح فرهنگی را از دیگر محورهای مهم در حوزه سالمندی عنوان کرد و افزود: راناداری صندوق مربوط به

عصر

فانول

روزنامه اجتماعی، اقتصادی

www.asrghanoon.ir

صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوویی

زیر نظر شورای سردبیری

عکس | امیررضا شفاپی

گرافیکست و صفحه آرآ | آراد عبداللهی

روابط عمومی | جهانگیر توسلی

ناظر هنری | محمد رضا مهدیانی

تلفن | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۵۸ _ ۰۹۹۳۱۲۶۱۶۴

آگهی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۵۸

نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبداللّه زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵

چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI

@ASREGANOON

@ASREGANOON



افزاش حقوق سالمندان

ابراهیم عزیزی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در همایش تجلیل و گرامیداشت سالمندان حضور پیدا کرد و با اشاره به ضرورت خدمت‌رسانی به محرومان و سالمندان، گفت:

۷

پس از ۷ سال در صدر

اکران مجدد فیلم «انتقام‌جویان: آخر بازی» با فروش ۲۶ میلیون دلاری جایگاه نخست فهرست فروش را از آن خود کرد و «قلب هیولا» و «پرایم‌تایم» پس از آن جای گرفتند.

۶



بازی متفاوتی برابر روسیه انجام می‌دهیم؛ دنبال نتیجه نیستیم

امیر قلعه‌نویی در خصوص بازی دوستانه روز سשشنبه تیم ملی فوتبال ایران مقابل روسیه در کازان گفت: سومین بار است که در سال‌های اخیر مقابل روسیه بازی می‌کنیم و دومین بار است که به این کشور می‌ییم. این بازی برای ما اهمیت بالایی دارد. البته نه به دلیل نتیجه بلکه به این دلیل که حدود ۱۰۰ روز تا جام ملتها فاصله داریم و باید خودمان را برای این رقابت‌ها آماده کنیم. می‌خواهیم از بازیکنان مختلف در فیفادی‌هایی که تا جام ملتها فرصت داریم استفاده کنیم تا مشخص شود آیا به عیار و افکار تاکتیکی ما می‌خورند یا خیر. به همین دلیل بازی‌هایی مثل دیدار مقابل روسیه، فرصت‌های خوبی برای ما است.وی درخصوص اهداف مدنظرش از بازی مقابل روسیه، گفت: به هر حال در بازی‌های این مدت ما دنبال نتیجه نیستیم و یکسری اهداف را پیگیری می‌کنیم که بتواند در جام ملتها به ما کمک کند. روسیه هم تیم بسیار خوب و بسیار تاکتیکی است. والری کارپین مربی بسیار خوبی است و نتایجش هم نشان داده که مربی کاربلدی است اما فردا قرار است مدل بازی‌مان را عوض کنیم. یکسری اهداف تاکتیکی را دنبال می‌کنیم و باید دید آیا می‌توانیم آنها را در این بازی پیاده کنیم یا خیر.قلعه‌نویی درباره شرایط تمرینی تیم ملی در کازان گفت: متأسفانه در بازی قبل به خاطر شرایطی که داشتیم و نمی‌خواهم بازش کنیم، فرصت حتی یک جلسه کار تاکتیکی هم نداشتیم اما خوشبختانه قبل از این بازی دو جلسه فرصت برای کار تاکتیکی داشتیم و نیروهایمان هم همه به ما اضافه شدند.سرمربی تیم ملی اضافه کرد: وقت داشتیم که دو جلسه تمرین تاکتیکی خیلی خوبی انجام بدهیم و نسبت به بازی قبل، از نظر آمادگیک فنی و بدنی، شرایط بهتری خواهیم داشت. وی درباره حضور سردار آزمون در اردوی تیم ملی با توجه به تجربی که این بازیکن از حضور در تیم روبین کازان و فوتبال روسیه دارد، عنوان کرد: سردار آزمون و چند بازیکن دیگر، از جمله مهدی طارمی، جزو بازیکنان کلیدی تیم ملی هستند. سردار در جام جهانی همراه ما نبود اما الان خیلی خوشحالم که بار دیگر آمده و امیدواریم شرایط بدنی بهتری پیدا کند و در جام ملتها بتواند به ما کمک کند.



صادق بیگدلی کاپیتان تیم ملی والیبال نشسته

- صادق بیگدلی، ملی‌پوش باسابقه والیبال نشسته به عنوان کاپیتان تیم ملی والیبال نشسته مردان ایران معرفی شد.
- بیگدلی از بازیکنان با تجربه تیم ملی والیبال نشسته است که حضور در پنج دوره بازی‌های پارالمپیک، ادوار مختلف بازی‌های پارآسیایی و رویدادهای مختلف آسیایی و جهانی را در کارنامه دارد.
- پیش از این داود علیپوریان کاپیتان تیم ملی والیبال نشسته بود اما او بعد از مسابقات اخیر قهرمانی جهان که با قهرمانی و پارالمپیک شدن ایران به پایان رسید از ادامه حضور در این تیم امتناع کرد.بازی‌های پارآسیایی اولین رویدادی است که تیم ملی والیبال نشسته با کاپیتانی صادق بیگدلی در آن شرکت خواهد داشت. این بازی ها ۲۶ مهر تا ۲ آبان در ژاپن برگزار می شود.

لخ بهترین تیم دوران من است؛ انتظار هواداران را دوست دارم

کتی و هفته بعد یا در بازی بعدی بهتر باشی.

صیادمنش درباره اینکه آیا آن مسابقه سخت‌ترین لحظه دوران حرفه‌ای او بوده است، گفت: بله، واقعاً لحظه سختی بود. فکر می‌کنم این اولین پناثی‌ای بود که در تمام دوران حرفه‌ای‌ام از دست دادم. در دو یا سه فصل گذشته شاید هشت پناثی زده بودم و هر هشت پناثی را گل کرده بودم. بنابراین اتفاق سختی برابیم بود، اما از آن به عنوان انگیزه‌ای برای بازی بعد استفاده کردم و خوشحالم که توانستم شرایط را تغییر دهم.

او در پاسخ به این پرسش که آیا برای بازگشت به شرایط خوب نیاز به کمک دیگران داشته است، اظهار کرد: همیشه سعی می‌کنم با خودم صادق باشم. اگر چیزی خوب پیش نرود، آن را می‌پذیرم، مسئولیتش را بر عهده می‌گیرم و تلاش می‌کنم از آن به عنوان انگیزه استفاده کنم. البته افرادی که اطرافم هستند، همسر و خانواده‌ام، به من کمک می‌کنند و انگیزه می‌دهند و در کنارم هستند. خوشحالم که آنها را دارم.

صیادمنش درباره زندگی در شهر پوزنان نیز گفت: راستش زمان زیادی برای گشت‌وگذار در شهر ندارم، اما دو، سه بار در شهر گردش کرده‌ام. پوزنان واقعاً شهر زیبایی است و هر چیزی که نیاز داشته باشی در آن وجود دارد. از طرف دیگر شهر آرامی است و واقعاً آن را دوست دارم.

او درباره اینکه آیا مردم او را در خیابان می‌شناسند، گفت: بله، من را می‌شناسند. فکر می‌کنم موهایم باعث می‌شود راحت‌تر مرا تشخیص دهند.

مهاجم ایرانی لخ پوزنان در ادامه درباره ارتباط خود با هواداران و محبوبیت علی‌قلی‌زاده در این شهر اظهار کرد: این موضوع نوعی تبادل انرژی است. اگر انرژی خوبی دریافت کنی، سطح انرژی خودت هم افزایش پیدا می‌کند و فکر می‌کنم این موضوع در زندگی به تو کمک می‌کند و باعث می‌شود شادتر باشی. راستش من این تبادل انرژی با هواداران را دوست دارم.

وی درباره واکنش هواداران پس از از دست دادن پناثی برابر لخ گفت: بله، من به آن واکنش نشان می‌دهم. گاهی انرژی منفی وجود دارد و این طبیعی است و بخشی از فوتبال محسوب می‌شود. همیشه همه چیز عالی نیست، اما فکر می‌کنم مهم این است که بتوانی از شرایط بد استفاده کنی و آن را به اتفاقی مثبت تبدیل کنی. اگر در مقطعی ناامید شوم یا روحیه خوبی نداشته باشم، سعی می‌کنم از آن شرایط بد استفاده کنم، دوباره بلند شوم و هرچه سریع‌تر شرایط را تغییر دهم.

صیادمنش درباره شرایط خود در لیگ لهستان و مقایسه آن با لیگ‌هایی که پیش از این در آنها بازی کرده است، گفت: این لیگی است که دوستش دارم و رقابت در آن واقعاً جذاب است. البته همان‌طور که گفتم، این موفقیت حاصل تلاش کل تیم است. بدون تیم نمی‌توان به نتایج خوب رسید. ما به عنوان یک تیم نتایج خوبی کسب می‌کنیم. باور دارم وقتی به عنوان عضوی از تیم بازی می‌کنی، گل و پاس گل هم به دنبال آن خواهد آمد. بنابراین فقط روی گل زدن یا پاس گل دادن تمرکز نمی‌کنم. سعی می‌کنم بازیکن خوبی برای تیم باشم و در این صورت گل و پاس گل هم خودشان از راه می‌رسند.

او در مقایسه اکستراکلاسا با لیگ‌های ترکیه، ایران، اوکراین و انگلیس نیز گفت: همه این لیگ‌ها متفاوت هستند و نمی‌توانم آنها را با کلمات متفاوتی توصیف کنم. برای من بازی در لیگ‌های مختلف و کسب تجربه در انواع مسابقات اتفاق خوبی بود. اکنون اینجا هستم و می‌توانم از تمام تجربه‌ای که تاکنون به دست آورده‌ام استفاده کنم. تلاش می‌کنم تجربیاتی را که در باشگاه‌های قبلی به دست آورده‌ام به بهترین شکل برای تبدیل شدن به یک بازیکن خوب در اکستراکلاسا به کار بگیرم.

صیادمنش درباره چیزی که بیش از همه در لیگ لهستان او را تحت تأثیر قرار داده است، عنوان کرد: فکر می‌کنم رقابت. اختلاف بین تیم‌های بالای جدول و تیم‌های انتهای جدول چنان زیاد نیست. من در سال‌های گذشته نیز به لطف علی، اکستراکلاسا را دنبال می‌کردم. فصل گذشته هم شرایط مشابهی وجود داشت و اختلاف بین تیم‌های بالای جدول و تیم‌های انتهای جدول زیاد نبود. این اتفاق خوبی است، چون باعث می‌شود لیگ هیجان‌انگیز باشد و حساسیت تا هفته پایانی که همه چیز مشخص می‌شود، بالا بماند.

اللهیار صیادمنش خیلی زود توانسته جایگاه ویژه‌ای در تیم فوتبال لخ پوزنان پیدا کند و به یکی از مهره‌های مهم خط حمله قهرمان فصل گذشته فوتبال لهستان تبدیل شود. او در گفتگویی با رسانه «kkslech» درباره شرایط خود در لخ، تغییر پست، رقابت برای حضور در ترکیب اصلی، فشار هواداران، تجربه تلخ از دست دادن پناثی، رابطه‌اش با علی‌قلی‌زاده، لیگ اروپا و همچنین زندگی در لهستان صحبت کرده است.

صیادمنش درباره عملکرد خوب خود در سیستم «تیسل فردریکسن» سرمربی لخ پوزنان اظهار داشت: باید این موضوع را به کار فنی و بازیکنانی نسبت بدهم که کمک کردند خیلی سریع با تیم هماهنگ شوم. از همه آنها تشکر می‌کنم، چون از هر نظر به من کمک کردند. من هم تمام تلاشم را انجام دادم تا هرچه سریع‌تر با شرایط تیم سازگار شوم. خیلی خوشحالم که بخشی از این تیم هستم و می‌توانم در بازی‌های مختلف به لخ کمک کنم.

او در پاسخ به این پرسش که چه عواملی به او کمک کرده تا در پست‌های مختلف عملکرد خوبی داشته باشد، گفت: به عنوان یک بازیکن می‌توانم در پست‌های مختلف بازی کنم. پیش از این مهاجم، وینگر، مهاجم دوم و بازیکن شماره ۱۰ بودهام. اگر به من بگویند در پست شماره ۹ بازی کن و به تو در این پست نیاز داریم، تمام توانم را در همان پست به کار می‌گیرم. اگر بخواهند در سمت چپ بازی کنم، تمام تلاشم را در سمت چپ انجام می‌دهم و اگر در سمت راست باشم نیز همین‌طور. برای من بازی در پست‌های مختلف مشکلی ندارد و مهم‌ترین مسئله این است که در هر پستی که بازی می‌کنم، ۱۰۰ درصد توانم را بگذارم. فکر می‌کنم این موضوع به تیم هم کمک کرده است.

مهاجم ایرانی لخ پوزنان درباره اینکه آیا تغییر پست برای او به شکل طبیعی اتفاق افتاده است، توضیح داد: بله، البته خیلی اوقات چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. برای مثال ممکن است در یک مسابقه در سه پست مختلف بازی کنم - چون به عنوان بازیکن هجومی در سمت چپ، سمت راست و در خط حمله بازی کرده‌ام، حضور در یک پست متفاوت برایم مشکل خاصی ایجاد نمی‌کند.

صیادمنش درباره تغییراتی که در سبک بازی خود پس از پیوستن به لخ پوزنان احساس کرده است، گفت: در لخ ما مدرن‌ترین جدول هستیم و یکی از تیم‌های مسلط لیگ به شمار می‌رویم. بازی در یک تیم مسلط باعث می‌شود در فاز هجومی بهتر باشی، گل‌های بیشتری بزنی، جایگیری بهتری در زمین داشته باشی و در مجموع به عنوان یک بازیکن هجومی پیشرفت کنی.

او در پاسخ به این پرسش که آیا لخ پوزنان در حال حاضر بهترین باشگاهی است که در دوران حرفه‌ای خود برای آن بازی کرده است، اظهار کرد: در حال حاضر بله، واقعاً حضور در اینجا لذت‌بخش است. لخ پوزنان طی چند سال اخیر همواره در بالای جدول بوده، برای قهرمانی مبارزه کرده و در رقابت‌های اروپایی حضور داشته است. اکنون نیز شرایط به همین شکل است و واقعاً خوشحالم که اینجا هستم.

صیادمنش درباره فشار ناشی از انتظارات هواداران لخ نیز گفت: به نظرم احساس کردن مقداری فشار خوب است، چون می‌تواند به کسب نتایج بهتر کمک کند. برای من مسئله بدی نیست و مشکلی با آن ندارم. در تیم‌های بزرگی بازی کرده‌ام؛ در فنرباغچه، استقلال ایران و استانبول‌اسپور حضور داشته‌ام. همه این تیم‌ها هواداران زیادی دارند و ما برای تمام شهر بازی می‌کنیم. باشگاه‌هایی که در آنها بوده‌ام از این نظر شرایط نسبتاً مشابهی داشته‌اند و به این موضوع عادت کرده‌ام.

